

سنخ‌شناسی تجربی مشکلات تعامل اجتماعی در

شبکه روابط همسایگی

(مورد تحقیق: شهر مشهد)

احمد فرزانه^۱، غلامرضا صدیق اورعی^۲، مهدیه باقری^۳

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۰۲، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۱۵)

چکیده

دنیای جدید، تغییرات ژرف، پیوسته و گسترده‌ای را برای تعاملات اعضای شبکه‌های همسایگی در بسیاری از جوامع از جمله جامعه ایران به همراه داشته و سبب مساله‌مند شدن تعاملات اجتماعی در شبکه‌های همسایگی شده است، امری که به واسطه سکونت اکثریت اعضای جامعه در اجتماعات شهری به بروز پیامدهایی منفی برای بخش بزرگی از مردم به خصوص معطل ماندن بخشی از نیازهای آنان انجامیده است. تلاش این مقاله توصیف مشکلات تعامل در شبکه‌های همسایگی و ارائه یک سنخ‌شناسی تجربی از این مشکلات بوده است. برای این کار با ۱۶ نفر از ساکنین شهر مشهد مصاحبه‌هایی نیمه‌ساخت‌یافته و پیوسته نوشونده انجام شد و با استفاده از شیوه کدگذاری‌های مرحله‌ای، مقولات زیر حاصل شد: فقدان روابط و تعاملات همسایگان، کمبود تعاملات همسایگان، کاهش تعاملات همسایگان، تعاملات مقطعی، تعاملات سرد همسایگان، ضعف تعاملات گرم همسایگان، عدم مشارکت و همکاری همسایه‌ها، رابطه دور با همسایگان، تعاملات ابزاری همسایگان و روابط گزینشی، که در فشرده‌ترین شکل شامل دو سنخ «کمبود تعامل» و «ضعف تعامل گرم» است. **واژه‌های کلیدی:** مشکلات تعامل اجتماعی، شبکه اجتماعی، روابط همسایگی، تعامل سرد، تعامل گرم.

Doi: <https://doi.org/10.22034/jss.2024.560758.1725>

• علمی- پژوهشی

Farzaneh.Ahmad@gmail.com

۱. دانش‌آموخته دکتری جامعه‌شناسی فرهنگی (نویسنده مسئول)

sedighourae@um.ac.ir

۲. عضو هیات علمی گروه علوم اجتماعی، دانشگاه فردوسی مشهد

mbagheri1993@gmail.com

۳. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، دانشگاه فردوسی مشهد

مجله مطالعات اجتماعی ایران، دوره هفدهم، شماره ۳، پاییز ۱۴۰۲، ص ۱۵۳-۱۸۵

مقدمه و بیان مساله

یکی از ویژگی‌های زندگی اجتماعی این است که در مکان جریان دارد. مکان در دسته‌ای از واقعیت‌ها و شبکه‌های اجتماعی عنصری تعیین‌کننده است. از جمله محله که مکان، عنصری اساسی برای آن است^۱ و روابط و تعاملات شبکه‌های همسایگی، بر مبنای هم‌سکنایی معنادار است.

تغییرات دنیای جدید از جمله تغییر تاثیر مکان در زندگی اجتماعی، پیامدهایی را برای «اجتماع»‌های انسانی به‌همراه داشته است (برای نمونه بنگرید به گیدنز، ۲۰۱۳) و تعاملات اعضای شبکه‌های همسایگی را نیز دستخوش تغییرات بنیانی ساخته است.

هر جامعه‌ای به تناسب دگرگونی‌های برون و درون‌زای خود ممکن است تغییراتی مختص خود را در خصوص تعاملات همسایگی تجربه کرده باشد. از جمله جامعه ایران که طی سده‌های اخیر در مواجهه با تحولات دنیای جدید، تاثیرات مختلفی را به خود دیده است؛ جامعه‌ای عمدتاً ایلاتی و روستایی که طی مدتی کوتاه، عمدتاً شهری شده و مهاجرت‌های گسترده‌ای را تجربه کرده و در معرض تغییرات ژرف پیوسته و گسترده فناوری‌های متعدد قرار گرفته است و این‌ها در ترکیب با سایر تغییرات و ثوابت، به دگرگونی‌هایی مهم و مساله‌مند شدن روابط و تعاملات اجتماعی در شبکه‌های اجتماعی به‌خصوص در شبکه‌های همسایگی منجر شده است. در حال حاضر اکثریت اعضای جامعه، در اجتماعات شهری مستقر شده‌اند و بخش کثیری از این جمعیت در شهرهای بزرگ ساکن‌اند (۷۴ درصد جمعیت ایران در سال ۱۳۹۵ در شهرها ساکن بوده‌اند) (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷) و این امر -در کنار افزایش دایره آزادی‌های شخصی و آثار مثبت دیگر- به پیامدهایی منفی همچون ناشناسی، بی‌تفاوتی و ناامنی منجر شده است (کلانتری و حسینی زاده آرانی، ۱۳۹۴، عنبری و غلامیان، ۱۳۹۵، کلانتری، و غیره ۱۳۸۶، خوش‌فر ۱۳۸۲، نادری، جاهد و شیرزاده، ۱۳۸۹، نیازی، شفایی مقدم و شادفر ۱۳۹۰) و در نتیجه به غفلت از بخشی از نیازهای انسانی از جمله نیاز به عشق و تعلق، احترام، توجه و همکاری انجامیده است. چرا که تعامل اجتماعی، لازمه بهره‌گیری از انسان‌های دیگر و رفع چنین نیازهایی است.

درباره مشکلات تعاملی همسایگان به‌ویژه در شهرهای بزرگ ایران، شواهد زیادی وجود دارد (اصغریور و صادقی، ۱۳۹۳؛ ساروخانی، وثوقی و نظری، ۱۳۹۶؛ باستانی، ۱۳۸۷؛ باستانی و نیکزاد، ۱۳۹۳؛ صدیق سروستانی و نیمروزی، ۱۳۸۹)؛ وضعیتی که در آن عدم‌تعامل به‌نحوی

۱. برخلاف شبکه‌ای مثل شبکه روابط خویشاوندی که ابتدای کمتری بر مکان دارد.

مضاعف مشاهده می‌شود. نتایج اغلب تحقیقات در این حوزه حاکی از آن است که میانگین نمره حجم روابط همسایگی بسیار کم است (رازقی، شارع‌پور و ابراهیمی‌گتایی، ۱۳۹۵؛ چلبی و امیرکافی، ۱۳۸۳؛ باستانی، ۱۳۸۷؛ صدیق سروستانی و نیمروزی، ۱۳۸۹؛ کلانتری و حسینی زاده آرانی، ۱۳۹۶؛ یوسفی، نوغانی و حجازی، ۱۳۸۸)؛ اما وقتی از تعامل بگذریم و به آثار مترتب به آن برسیم، قاعدتاً انتظار داریم اوضاع از این نیز وخیم‌تر باشد. طبق گزارش طرح سنجش سرمایه اجتماعی در ایران (۱۳۹۳)، حدود ۹۳ درصد از مردم، اظهار داشته‌اند کسی از همسایگان را به‌منظور دریافت کمک‌های مالی و غیرمالی و مشورت در مواقع نیاز، ندارند. فقدان تعامل میان اغلب همسایگان و سردی بخش قابل توجهی از تعاملات موجود، نتیجه‌ای جز تنهایی در میان این مجاوران فیزیکی نداشته است زیرا تعامل، سنگ‌بنای جامعه است و تعامل گرم، شرط بقای جامعه. در محله، تعاملی نمانده و فقدان تعامل، محله‌ای باقی نگذاشته تا تعلق (اصغرپور و صادقی، ۱۳۹۳؛ صدیق سروستانی و نیمروزی، ۱۳۹۰؛ موسوی و صفری، ۱۳۹۵)، اعتماد (غفاری و اونق، ۱۳۸۵؛ موسوی خامنه و حسن‌پور، ۱۳۹۱؛ جلالی‌پور و گرامیان‌نیک، ۱۳۹۰) و تعهدی (معیدفر و مقدم، ۱۳۸۹؛ یوسفی، نوغانی و حجازی، ۱۳۸۸) به‌وجود بیاید و بتوان انتظار همکاری و مشارکتی (باستانی و نیکزاد، ۱۳۹۳؛ عبداللهی و امینی، ۱۳۸۶؛ ساروخانی و امیرپناهی، ۱۳۸۵؛ محسنی تبریزی، یاهک، قهرمانی و باصری، ۱۳۹۰؛ زندرضوی، ضیائی و رحمانی، ۱۳۸۸) داشت، چه برسد به کمک (صدیق سروستانی و نیمروزی، ۱۳۸۹؛ باستانی، رهنمای و قاضی‌نژاد، ۱۳۹۳) و مشورت و در درجه بعد گذشت و ایثار (بخشی، ۱۳۹۲). مضایقه تعامل از همسایگان تا جایی پیش می‌رود که اگر همسایه‌ای پیش‌قدم شود و قصد تعامل داشته‌باشد بازهم از سوی همسایگان مورد استقبال قرار نمی‌گیرد و از تعامل با او فرار می‌کنند و ترجیح می‌دهند که ناشناس بمانند. شواهد فوق مستخرج از پژوهش‌هایی است که وضعیت ایران به خصوص کلان‌شهر مشهد را گزارش می‌کنند و حکایت از مساله‌مند شدن تعاملات همسایگی در اجتماع شهری مشهد دارند. با توجه به این و با در نظر گرفتن جایگاه اساسی تعامل در زندگی اجتماعی، شناسایی ابعاد متنوع و جوه مختلف مشکلات تعاملی شبکه‌های اجتماعی به‌خصوص شبکه‌های همسایگی - به‌عنوان اجتماع رایج انسانی در زندگی شهری - ضروری است و از آنجایی که گام نخست شناخت، توصیف و سپس طبقه‌بندی است این نوشتار با رویکردی کیفی در پی پاسخ به این پرسش است که سنخ‌های مختلف مشکلات تعاملی روابط همسایگی مردم مشهد کدامند؟

چارچوب مفهومی

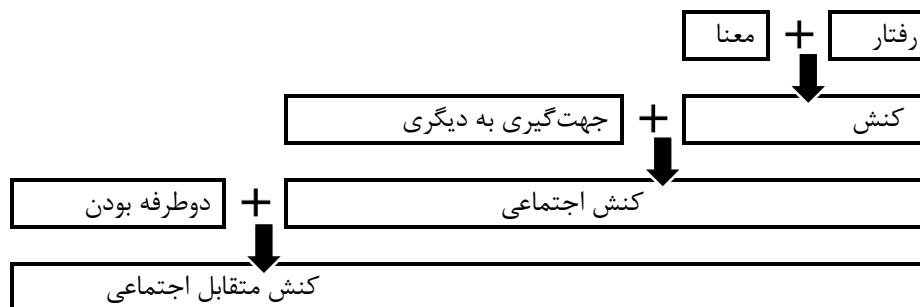
موضوع مقاله حاضر، «مشکلات تعاملی شبکه روابط همسایگی» است. منطق حکم می‌کند که تعامل معنا شود و نسبت آن با شبکه، رابطه و همسایگی روشن شود. تعامل، ظرف رابطه و بستر آن است و شبکه اجتماعی، مجموعه‌ای از روابط اجتماعی است. یکی از انواع رایج روابط اجتماعی در عموم جوامع، شبکه روابط همسایگی است.

رفتار، کنش و کنش اجتماعی

انسان، موجودی است اندیشه‌ورز، دارای هیجان و رفتارکننده و عامل بروز آثار وجودی انسان، رفتار است. منظور از رفتار «حرکتی بر اثر محرک یا انگیزه است که به طور خودآگاهانه یا ناخودآگاهانه» (صدیق‌اورعی و همکاران، ۱۳۹۸) بروز می‌کند. رفتاری که دارای معنی باشد، اصطلاحاً کنش^۱ نامیده می‌شود. کنش، آن‌گاه که معطوف به دیگری باشد و «رفتار دیگران در معانی ذهنی» (وبر، ۱۳۷۴: ۳) کنشگر لحاظ شده باشد، کنش اجتماعی^۲ است (وبر، ۱۳۸۵: ۸۰).

تعامل اجتماعی

بسیاری از کنش‌ها که در نظر اول، متشکل از فرایند یک‌سویه صرف می‌نمایند، در واقع متضمن تأثیرات متقابلند (زیمل، ۱۳۹۲: ۱۵۳). هرگاه کنش اجتماعی، دوسویه باشد، «تعامل^۳» نامیده می‌شود. [مقایسه شود با (آگبرن و نیم‌کوف، ۱۳۵۳: ۲۷؛ روشه، ۱۳۹۱: ۱۳۳)]



نمودار ۱. نسبت مفاهیم رفتار، عمل، عمل اجتماعی و تعامل اجتماعی

منبع: (صدیق‌اورعی و همکاران، ۱۳۹۸: ۳۴)

- 1 . Action
- 2 . Social Action
- 3 . Social interaction
4. William Fielding Ogburn and Meyer Francis Nimkoff
5. Guy Rocher

رابطه اجتماعی

«جامعه در جایی وجود دارد که شماری از افراد وارد تعامل می‌شوند.» (زیمل، ۱۳۹۲: ۱۹۰۸/۱۲۹) برای زیمل، «انسان قبل از هر چیز موجود در رابطه است... سخن گفتن از جامعه همانا سخن گفتن از رابطه اجتماعی ۱ است.» (پوگام، ۱۳۹۵: ۶۰) از نظر وبر «واژه رابطه اجتماعی» برای اشاره به رفتار دسته‌ای از افراد، تا آنجا که کنش هر شخصی در محتوای معنادارش، کنش دیگران را نیز در خود لحاظ کرده باشد، به کار می‌رود؛ بنابراین رابطه اجتماعی کاملاً و منحصراً به احتمال وجود کنش اجتماعی-که تا حدی از نظر معنایی قابل درک باشد- وابسته‌اند. (وبر، ۱۳۸۴: ۵۴) طبق نظر کلی و همکارانش، اگر کنش‌ها، عواطف و افکار دو نفر متقابل و به هم وابسته باشند، مردم به هم متکی هستند و رابطه‌ای وجود دارد (کلارک و ریس، ۱۹۸۸: ۶۱۱). در واقع، رابطه، ظرفی است که تعامل در آن رخ می‌دهد و تعاملات، در بستر رابطه اجتماعی صورت می‌گیرند (صدیق‌اورعی و همکاران، ۱۳۹۸).

شبکه اجتماعی

مسئله اصلی در دیدگاه شبکه، روابط است. رویکرد شبکه، به جای تأکید بر کنشگران و ویژگی‌های آنان به عنوان واحد تحلیل، به ساختار روابط میان کنشگران توجه می‌کند و بر این امر تأکید دارد که فرایندهای اجتماعی و پیامدهای فردی، اساساً از طریق الگوی روابط میان کنشگران در شبکه‌های اجتماعی تعریف و مشخص می‌گردد (کلانتری و حسینی زاده آرانی، ۱۳۹۴: ۱۱۳). فاوست و اسکات و واسرمن (۲۰۰۰) شبکه اجتماعی ۳ را «مجموعه‌ای از اشخاص یا گروه‌هایی می‌دانند که هریک از آن‌ها با برخی از مردم یا گروه‌های دیگر یا با همه آن‌ها رابطه دارند.» (ژو و ژانگ، ۲۰۱۱) «شبکه اجتماعی مجموعه‌ای از اشخاص یا گروه‌هایی از اشخاص- «کنشگران» (در اصطلاح میدان)- با برخی از الگوهای تعاملات یا روابط میان آنان است.» (هاتالا، ۲۰۰۶: ۵۰). در واقع هر شخص در رابطه‌های مختلفی با اشخاص دیگر قرار دارد و به‌طور نسبتاً مستمر با آنان در تعامل است. در بسیاری از موارد، شخص با یک گروه رابطه دارد و در موارد دیگر، گروه‌ها با یکدیگر رابطه دارند. مجموعه‌ای از روابط اجتماعی، میان این کنشگران فردی و جمعی اصطلاحاً

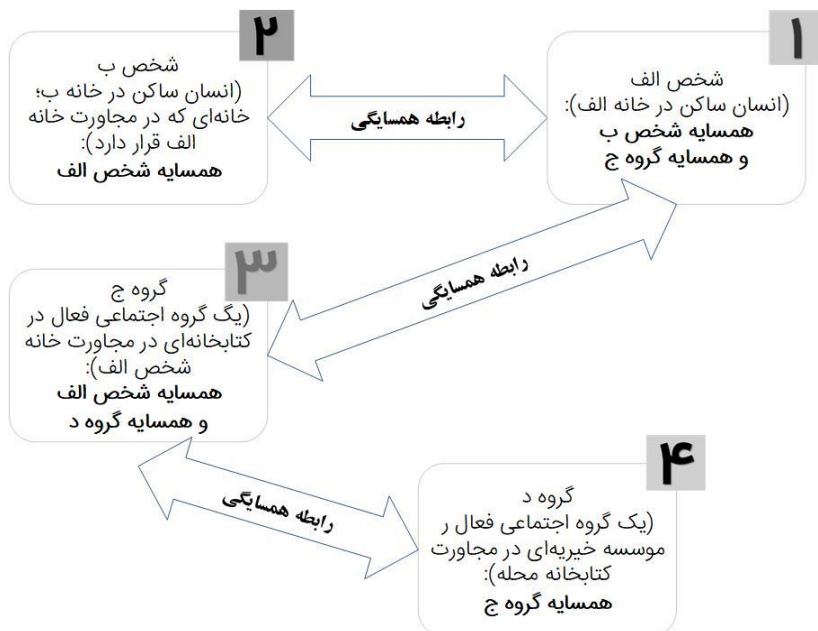
1. Social relation
2. Kathryn Faust, John Scott, Stanley Wasserman
3. Social network

شبکه اجتماعی نامیده می‌شود. در واقع، شبکه روابط اجتماعی یک شخص، مجموعه رابطه‌هایی است که آن شخص، عضو آن‌هاست (صدیق‌اورعی و همکاران، ۱۳۹۸). نسبت منطقی رابطه اجتماعی با شبکه اجتماعی، نسبت جز با کل است و شبکه اجتماعی دو عنصر و دو مفهوم سازنده دارد: یکی اشخاص (یا گروه‌ها) و دیگری رابطه اجتماعی. شبکه روابط اجتماعی یک شخص، مجموعه رابطه‌هایی است که آن شخص، در آن دخیل است و یک «طرف»، در آن است (صدیق‌اورعی و همکاران، ۱۳۹۸).

شبکه روابط همسایگی و محله

همسایه یعنی «دو تن یا دو خانواده که در کنار هم خانه دارند یا در دو قسمت یک خانه زندگی کنند و به کنایه، قرین و مجاور. (دهخدا، ۱۳۹۷) و همسایگی ۱، «در جوار یکدیگر زندگانی کردن» (عمید، ۱۳۸۵) است و زندگی به معنای رابطه و تعامل از جمله با انسان‌های دیگر است. روابط همسایگی ۲، روابط اجتماعی اشخاص و گروه‌های همسایه یعنی مجاور (هم‌جوار) است و «شبکه روابط اجتماعی همسایگی»، مجموعه‌ای از روابط اجتماعی میان کنشگران فردی و جمعی دارای «مجاورت فیزیکی» است. در واقع، شبکه روابط اجتماعی همسایگی، مجموعه رابطه‌هایی است که مشتمل بر «اشخاص و گروه‌های دارای رابطه اجتماعی به واسطه مجاورت فیزیکی» است.

۱. Neighborhood در انگلیسی هم به معنای محله یعنی مکانی است که ... و هم در معنای اشخاصی است که ... و Neighbor کسی است که در نزدیکی شما زندگی می‌کند (برای نمونه بنگرید به فرهنگ برخط کالینز، کمبریج، آکسفورد، مریام وبستر و لانگمن).



نمودار ۲. برشی از یک شبکه اجتماعی همسایگی

«اشخاص دارای تعامل نسبتاً مستمر با احساس پیوند، گروه اجتماعی» است (صدیق‌اورعی و همکاران، ۱۳۹۸: ۴۶). «گروه اجتماعی دارای سرزمین، اجتماع ۱ نامیده می‌شود» (همان: ۲۷۸)؛ بنابراین محله، یک نوع اجتماع است.



نمودار ۳. نسبت مفهوم محله با مفاهیم اجتماع و گروه اجتماعی

لازم به یادآوری است که «انسان‌های یکجانشین برای دفع سرما و گرما و نیز برای حفاظت از خود، خانه ساختند و همزیستی به صورت هم‌سکنایی درآمد. بعد مورفولوژیک هم‌سکنایی، «محلّه» نام دارد.» (صدیق‌اورعی، ۱۳۸۲: ۱۹۵). برخی گفته‌اند: وقتی «الگویی از کنش‌های متقابل میان مردم در یک ناحیه ... شدیدتر و پیوسته‌تر از کنش‌های متقابل میان آن‌ها و افراد خارج از آن ناحیه است؛ این، یکی از دلایلی است که ما اعلام می‌کنیم آنجا یک محلّه است.» (شارون ۱، ۱۳۸۶: ۷۸) طبق این نظر، محلّه، بر اساس شدت و تراکم تعاملات، شناخته می‌شود. بنابراین محلّه علاوه بر بعد مورفولوژیک، بعد رابطه‌ای و تعاملی نیز دارد. زیرا محلّه یک اجتماع و در نتیجه یک گروه اجتماعی است و شرط گروه بودن گروه، تعامل میان اعضای گروه است.

بنابر آنچه مرور شد، همسایه یعنی عضوی از یک شبکه روابط اجتماعی که در یک محلّه یعنی در مجاورت فیزیکی یکدیگر زندگی می‌کنند و همسایگی یعنی شبکه روابط اجتماعی ساکن در محلّه. از یک دریچه مفهومی دیگر، همسایگی یک اجتماع است که اعضای آن را همسایه‌ها - یعنی اشخاصی که در مجاورت فیزیکی هم مسکن گزیده‌اند - تشکیل می‌دهد. همسایگی، مستلزم استمرار نسبی تعاملات میان مجاوران فیزیکی ۷ آن هم به اندازه و با کیفیتی است که نوعی از پیوند و تعلق اجتماعی میان آنها را پدید بیاورد.

پیشینه پژوهش

مطالعات موجود در حوزه روابط و تعاملات همسایگی در چند دسته قابل طبقه‌بندی است. برخی از این مطالعات به توصیف و طبقه‌بندی مشکلات تعاملی، برخی به تبیین و برخی به پیامدهای تعاملات همسایگی و برخی نیز، به راه‌حلهایی برای ارتقای تعاملات همسایگی پرداخته‌اند. برخی از تحقیقات توصیفی، به تعاملات همسایگی از منظر جامعه‌شناختی (نوابخش و رفیعی‌فر، ۱۳۸۷؛ صدیق‌سروستانی و نیمروزی، ۱۳۹۲؛ زندرضوی، ضیائی و رحمانی، ۱۳۸۸) و برخی، از منظر انسان‌شناختی (منادی، ۱۳۸۸)، به این موضوع پرداخته‌اند. اما دسته‌ای دیگر، الگوهای کالبدی همسایگی (عباسی هرفته و صادقیان، ۱۳۹۸) و انسجام در شبکه‌های همسایگی (یوسفی، نوغانی و حجازی، ۱۳۸۸) را مطالعه کرده‌اند. پژوهش‌های دیگری به ارتقاء و افزایش تعاملات (قنبران و جعفری، ۱۳۹۳؛ حسن پور، امیدواری و صدر ارحامی، ۱۳۹۷؛ مهرابیان و عبداللهی، ۱۳۹۸)، نقصان روابط (بخشی، اکبری قمصری و تولایی، ۱۳۹۹)، تعارضات همسایگی (نوذری، ۱۳۹۴)، نظر

داشته‌اند. دسته‌تیبینی مقالات، علاوه بر توجه به عوامل موثر بر روابط و تعاملات همسایگی، به واری‌های عوامل موثر بر میزان روابط (رازقی، شارع‌پور و ابراهیمی‌گتایی، ۱۳۹۵؛ سعیدی مطلق و براتی، ۱۴۰۰) پرداخته‌اند. برخی از تحقیقات برای تبیین تعاملات همسایگی، بر متغیرهای مورفولوژیک مثل طبیعت تاکید داشتند (بهزادپور، گرجی مهلبانی و سهیلی، ۱۳۹۹). همچنین در میان تحقیقات موجود، یک گزارش نیز مشاهده شد که در تبیین تعاملات همسایگی، درصد آزمون تجربی یک نظریه (پارسامهر و بیرجندی چهارطاقی، ۱۳۹۸) بود. در نهایت در حوزه تبیینی، بر عوامل موثر شکل‌گیری سرمایه اجتماعی (ربانی خوراسگانی، صدیق‌اورعی و خنده‌رو، ۱۳۸۸؛ رامیار و زرغامی، ۱۳۹۶) نیز توجه شده است. در پژوهش‌های پیامدی به احساس نشاط اجتماعی (خطیبی، ۱۳۹۶)، دل‌بستگی به مکان (سالاری‌پور، رضانی، زالی و صفای‌کارپور، ۱۳۹۷)، سرمایه‌های اجتماعی (رستگارخالد، آران دشتی آرانی و صادقی آرانی، ۱۳۹۲)، ایجاد جرم (عباسی اسفجیر و رحمانی فیروزجاه، ۱۳۸۳) و احساس امنیت (صدیق سروستانی و نیمروزی، ۱۳۸۹؛ رستگار خالد، سلمانی بیدگلی و آران دشتی، ۱۳۹۳) به‌عنوان پیامدهای روابط و تعاملات همسایگی اشاره شده است. برخی از پژوهش‌ها نیز متغیرهای مورفولوژیک مثل فضاهای مشاع (نیک‌بخت، قنبران و خاکی، ۱۳۹۴) را به‌عنوان راه‌حل برای ارتقای تعاملات همسایگی دانسته‌اند و برخی دیگر، به ارائه راهکارهای افزایش تعاملات همسایگی (مهرابی‌ان و عبداللهی، ۱۳۹۸) اقدام کرده‌اند. اما پژوهش حاضر در پی توصیف مشکلات تعامل در شبکه روابط همسایگی در شهر مشهد - به‌عنوان دومین کلان‌شهر ایران و متأثر از تغییرات وسیع دنیای جدید - است تا به یک سنخ‌شناسی تجربی از انواع این مشکلات تعاملی دست یابد.

روش پژوهش

نوشتار حاضر در پی توصیف و گونه‌شناسی تجربی مشکلات تعامل در شبکه روابط همسایگی است و بدین منظور، از روش کیفی بهره برده است. روش کیفی^۱ برای کشف معانی و لایه‌های عمیق‌تر واقعیت اجتماعی و شناخت دقیق و همه‌جانبه ابعاد و جزئیات واقعیت مورد بررسی، مناسب است.

۱. مقاله حاضر، مستخرج از تحقیقی است که با استفاده از روش «رویش نظریه» (Grounded Theory) انجام شده است. این مقاله تنها بخشی از یافته‌های تحقیق مذکور را گزارش می‌کند و در نتیجه «همه» گام‌های روشی برداشته شده را نمی‌توان گزارش کرد به همین خاطر به جای توضیح روش «رویش نظریه» از رویکرد کلی «کیفی» بهره برده‌ایم. چنانچه از عنوان بگذریم، در شرح مراحل روشی طی شده ابهامی وجود ندارد.

در این تحقیق در ابتدا، مصاحبه‌نامه‌ای اولیه - که تنها حکم سرخط‌های اصلی برای سؤالات بعدی داشت - طراحی شد و پس از هر مصاحبه یا بعد از هر چند مصاحبه، حکم‌واصلاح صورت‌گرفت و نسخه جدید برای مصاحبه‌های بعدی مبنا قرار گرفت. طول مدت عموم مصاحبه‌ها یک و نیم تا دو ساعت بود.

باید این نکته را نیز متذکر شد که در همه مصاحبه‌ها به مصاحبه‌شوندگان تاکید می‌شد که در پاسخ به سؤالات مطرح‌شده، اطلاعاتی را در اختیارمان بگذارند که مربوط به قبل از دوره همه‌گیری کرونا است و کاهش تعاملات ناشی از محدودیت‌های کرونایی را مدنظر قرار ندهند. در انتخاب نمونه‌ها، فرایند تا جایی ادامه یافت که دستیابی به اشباع نظری ۱ حاصل شود. بوید ۲ الی ۱۰ مشارکت‌کننده را برای رسیدن به اشباع ۳ کافی می‌داند (سابلا، ۴، ۲۰۱۵: ۸۵) و کرسول «مصاحبه عمیق با حداکثر ۱۰ نفر» را برای تحقیق کیفی توصیه می‌کند (گرونوالد، ۵، ۲۰۰۴). در این پژوهش پس از انجام ۱۶ مصاحبه اشباع نظری حاصل شد.

جدول ۱. مشخصات مصاحبه شونده‌گان

کد	سن	جنس	تحصیلات	وضعیت تاهل	سطح اقتصادی (خانواده)	وضعیت مالکیت خانه (خانواده)
۱.	۳۲	مرد	کارشناسی ارشد	متاهل	متوسط رو به پایین	مستاجر
۲.	۲۹	مرد	دانشجوی دکتری	متاهل	متوسط رو به بالا	مالک
۳.	۳۰	مرد	کارشناسی ارشد	متاهل	متوسط رو به پایین	مستاجر
۴.	۳۴	مرد	دانشجوی دکتری	متاهل	متوسط رو به پایین	مستاجر
۵.	۳۱	مرد	کارشناسی ارشد	متاهل	متوسط رو به پایین	مالک
۶.	۳۴	مرد	کارشناسی ارشد	متاهل	متوسط رو به پایین	مالک
۷.	۲۹	مرد	دانشجوی دکتری	متاهل	متوسط	مستاجر
۸.	۲۲	مرد	کارشناسی	مجرد	متوسط رو به بالا	مالک
۹.	۵۸	زن	کارشناسی	متاهل	بالا	مالک
۱۰.	۳۳	مرد	دانشجوی دکتری	متاهل	بالا	مستاجر
۱۱.	۲۹	مرد	کارشناسی ارشد	متاهل	متوسط رو به پایین	مستاجر
۱۲.	۴۲	مرد	کارشناسی ارشد	متاهل	متوسط	مالک
۱۳.	۲۲	زن	کارشناسی	مجرد	متوسط رو به بالا	مالک
۱۴.	۲۱	زن	کارشناسی	مجرد	پایین	مستاجر
۱۵.	۲۳	زن	کارشناسی	مجرد	متوسط رو به بالا	مالک
۱۶.	۲۲	زن	کارشناسی	مجرد	متوسط رو به بالا	مالک

1. theoretical saturation
2. Boyd
3. Saturation
4. Sabella
5. Groewald

در تحقیق حاضر، به‌منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها، از روش‌های معمول کدگذاری در روش‌های کیفی (کدگذاری‌های مرحله‌ای، ثانویه و تودرتو (سالدانا^۱، ۲۰۱۳) استفاده شده است. رویه مبنا، تکنیک کدگذاری روش «رویش نظریه^۲» بوده است: کدگذاری باز، محوری و گزینشی. جهت انجام مراحل کدگذاری و مفهوم‌سازی از نرم‌افزار مکس کیودا^۳ استفاده شد. طی استخراج معانی از ۱۶ مصاحبه و کدگذاری اولیه، ۳۶۰ مضمون اولیه استخراج شد. سپس با مقایسه مفاهیم مستخرج با یکدیگر و با یک یا چند مرحله انتزاع، ۲۵ مقوله فرعی تشکیل شد. مقایسه این مقولات با یکدیگر نیز به انتزاع بالاتری منجر شد که نتیجه آن، تقلیل این ۲۵ مقوله به ۹ مقوله عمده بود. در گام آخر مضمون نهایی به‌دست آمد: مضمونی که در کدگذاری گزینشی، به‌عنوان مقوله هسته مشخص شد و آن را باید به‌منزله پدیده‌ای مرکزی در نظر گرفت که سایر یافته‌های تحقیق به‌نوعی در ارتباط با آن معنا دارند، مضمونی که اجمالی‌ترین شکل بیان پدیده و مشکل مورد بررسی تحقیق حاضر است.

یافته‌های پژوهش

مشکلات تعامل اجتماعی در روابط همسایگی

به‌منظور توصیف و سنخ‌شناسی مشکلات تعامل اجتماعی در روابط همسایگی در شهر مشهد، مراحل کدگذاری به‌دقت انجام شد. در ادامه مقولات عمده و شواهدی از مصاحبه‌ها درباره هر مقوله و زیر مقولاتش ارائه شده است. اما پیش از آن دسته‌بندی نهایی مشکلات تعامل اجتماعی در روابط همسایگی در نمودار ۴ به نمایش درآمده است:

1. Saldana

2. Grounded theory

3. MAXQDA

مشکلات تعاملی همسایگی
فقدان روابط و تعاملات همسایگان
کمبود تعاملات همسایگان
کاهش تعاملات همسایگان
تعاملات مقطعی
تعاملات سرد همسایگان
ضعف تعاملات گرم همسایگان
عدم مشارکت و همکاری همسایه‌ها
رابطه دور با همسایگان (فاصله)
تعاملات ابزاری همسایگان
روابط گزینشی

نمودار ۴. مشکلات تعامل اجتماعی در روابط همسایگان

فقدان روابط و تعاملات همسایگان

یکی از مشکلات بنیادی تعامل همسایگی فقدان تعامل میان مجاوران فیزیکی است که طبق گزارش مصاحبه‌شوندگان، به‌وفور قابل مشاهده است:

گزارش مصاحبه‌شوندگان، بر تعامل نداشتن همسایگان دلالت دارد. امری که واقعیت موسوم به محله را به ساختمان‌هایی با ساکنین در مجاورت یکدیگر و اشخاصی دارای صرف اشتراک در محل سکونت و نزدیکی فیزیکی تقلیل داده است. مردی ۳۴ ساله که در حاشیه شهر مشهد زندگی می‌کند- می‌گوید:

جالبه محمد که اون زمان توی محل زندگی می‌کرد همسایه اش اومده بود در زده بود گفت ببخشید من تنهام کسی نیست با من صحبت کنه. شما میای با من صحبت کنی خیلی تعجب کرده بود که چرا بنده خدا این کار را کرده بود.

وجه دیگری از فقدان تعامل، مضایقه کردن از تعامل است. برخی از مردم، از تعامل با همسایگان خودداری کرده و نسبت به دیگران در خصوص تعامل سخت‌گیری کرده و تنگ می‌گیرند. برای

نمونه جوانی گفته است که بعد از مدتی اقامت در شهری دیگر و سپس محله‌ای دیگر به محله قدیمی برگشته است ولی با پنهان داشتن خود از شخصی هم‌محله‌ای، او را از تعاملات خود محروم می‌سازد.

اعراض، «پشت کردن و رویگردانی» (خداپرستی، ۱۳۹۵) است. وجه دیگری از فقدان تعامل، اعراض از تعامل است. یعنی انصراف از تعامل با دیگری یا دیگران. جوانی ۳۲ ساله می‌گوید: توی رضا شهر مامانم تا چند سال بعد با خانمش گاهی تلفنی ارتباط داشت و این فقط از طرف مامانم بود و از طرف بابا یا بچه‌ها نبود. ولی الان مامانم هم نداره اون ارتباط هم همون زمانی که توی رضاشهر جابه‌جا می‌شدیم گاهی تلفن می‌کردن اما دیگه بعدش نه و الانم دیگه اصلاً نداره.

جدول ۲. فقدان روابط و تعاملات همسایگان

مقاله عمده	مقولات فرعی	مفاهیم و معانی مستخرج از مصاحبه‌ها
فقدان روابط و تعاملات همسایگان	عدم تعامل با همسایگان	به‌یادآوردن بیماری همسایه‌ها به دلیل فقدان یا کمبود تعامل همسایگی/ تعامل نداشتن با همسایگان/ تقاضای زن همسایه برای هم‌صحبت شدن به‌خاطر تنهایی و بی‌تعاملی/ جمع نشدن همسایه دور یکدیگر برای صحبت یا چیز دیگر/ عدم ارتباط با همسایگان حاضر در ساختمان پنج‌واحدی/عدم تعامل با همسایه‌ها/ عدم تمایل به گسترش تعاملات با همسایگان/ عدم رابطه با همسایه روبرو/ عدم رابطه با همسایه‌های آپارتمان (۲)/ عدم رابطه با همسایه‌های کوچه (غیر از آپارتمان) در گذشته/ عدم رابطه با همسایه‌های خارج آپارتمان/ عدم رابطه با هیچ همسایه‌ای در هیچ موضوه‌ی/ عدم رابطه خانم‌های همسایه با هم/ عدم رابطه در فضای مجازی با همسایه‌ها (۳)/ عدم مواجهه همسایه‌ها با یکدیگر (۲)/ نداشتن فرزهای مشترک با همسایه‌ها
	مشافهه تعامل از همسایگان	تغییر مسیر رفت‌وآمد برای روبرو نشدن با همسایگان‌ها/ دعوت نشدن به مراسم عروسی و... همسایگان/ عدم تعامل با همسایگان آشنا (۳)/ عدم خرید از فروشگاه مجتمع توسط همسایه‌ها/ عدم خرید از مغازه محل به‌خاطر عدم اعتماد به فروشنده/ عدم دعوت یکدیگر همسایگان به صرف غذا حتی با وجود صمیمی بودن با هم/ عدم دعوت یکدیگر همسایگان به صرف غذا در گذشته (۲)/ عدم رفت‌وآمد با همسایگان (۳)/ عدم رفت‌وآمد خانوادگی با همسایه‌ها حتی در گذشته/ عدم شرکت در مراسم داخل مجتمع/ عدم مشورت با همسایه در موضوعات خانوادگی/ عدم مشورت با همسایگان در امور ساختمان به دلیل شخصی ساختن آن/ عدم مشورت همسایه‌ها/ فقدان جلسات منظم هفتگی همسایگی ولو در گذشته/ مخفی کردن بازگشت به محله سابق از همسایگان‌ها/ نداشتن مراسم مشترک با همسایه‌ها
	اعراض از تعامل با همسایگان	ترک تعامل با همسایه‌های قبلی/ ترک محله به‌خاطر دخالتهای بی‌جای همسایه/ قطع تعامل با دوستان هم‌محله‌ای در محله قبلی/ قطع رابطه با جلسه دوره قرآن همسایگی از پنج سال پیش/ قطع رابطه با همسایه
	گریز از تعامل با همسایگان	انصراف از رفیع نیاز در صورت متکول بودن رفیع آن به همسایه/ جمعیت کمتر در محله معیاری برای انتخاب محله/ فرار از ارتباط با همسایه برای شکل نگرفتن نوظهات
	شرکت نکردن در مراسم همسایگان	حاضر نشدن در مراسم همسایگان در صورت دعوت شدن/ عدم شرکت در تشییع جنازه همسایه/ عدم شرکت فرزندان در مراسم ختم همسایه/ عدم شرکت همسایه‌ها در جلسه هفتگی همسایه/ نرفتن به مجلس ترحیم همسایه متوفی
	عدم رفت‌وآمد به منزل همسایه‌ها حتی برای جلسات کاری ساختمان	برگزاری جلسات مربوط به مجتمع در حیاط نه در منزل همسایه‌ها/ جلسات در پارکینگ برای حل مشکلات ساختمان با فواصل زیاد (دو سه ماه) / محدود بودن تعاملات با همسایه به سلام و علیک در راهپله/ گفتگو با همسایه در راهرو
	فقدان تعامل مستقل و مستقیم همسایگان با یکدیگر	داقتن روابط همسایگی به‌واسطه مادر/ رفت‌وآمد با همسایه به‌واسطه تعامل مادران/ تعامل همسایگان به‌وسیله مادران (۲)
	اطلاع از احوالات همسایه از روی مشاهده (نه به دلیل تعامل) / اطلاع از احوالات همسایگان از روی وضعیت مالی همسایه‌ها از روی شواهد (خودرو) / اطلاع یافتن از فوت همسایه‌ها از روی اطلاعیه یا سیاه پوشیدن افراد	اطلاع از احوالات همسایه از روی شواهد (نه به دلیل تعامل) / اطلاع از احوالات همسایگان از روی اطلاعیه‌های داخل آسانسور/ اطلاع از تعداد فرزندان همسایه از روی مشاهده (نه تعامل) / اطلاع از وضعیت مالی همسایه‌ها از روی شواهد (خودرو) / اطلاع یافتن از فوت همسایه‌ها از روی اطلاعیه یا سیاه پوشیدن افراد
	اطلاع از احوالات همسایگان از طریق مادر/ اطلاع بسیار کم از همسایه داخل آپارتمان به‌واسطه صاحبخانه/ شناخت همسایگان به‌واسطه مادر/ اطلاع از احوالات همسایگان از طریق مادر	اطلاع از احوالات همسایگان از طریق مادر/ اطلاع بسیار کم از همسایه داخل آپارتمان به‌واسطه صاحبخانه/ شناخت همسایگان به‌واسطه مادر/ اطلاع از احوالات همسایگان از طریق مادر

گریز از تعامل با همسایگان، وجه دیگری از مشکل فقدان تعامل است: یکی از طرف‌های رابطه، خواهان رابطه است ولی دیگری از آن فرار می‌کند یا شخص اصولاً عدم تعامل را بر تعامل ترجیح

می‌دهد. مثلاً شخصی که حاضرست نیازش معطل بماند اما با همسایه تعامل نکند. مثل خانمی جا افتاده، میان سال، ساکن یکی از مناطق بالای شهر و مذهبی که می‌گوید:

اصلاً تا حالا نخواستم یعنی اگر نیازم بوده فعلاً اون نیاز رو گذاشتم برای یه وقت دیگه ولی از همسایه‌ها نگرفتم چون اونها هم... یعنی رابطه‌مون طوری نبوده که اونا هیچ‌وقت بخوان از من بگیرند منم روم بشه از اونا بگیرم. یعنی تلاش می‌کنم برای هیچ موضوعی باهاشون مواجه نشم اصلاً. یه جورایی فرار از رابطه...

یکی از موضوع‌های تعامل همسایگان، شرکت در مراسم جمعی است که می‌تواند با مناسبت یا بی‌مناسبت و در زمان‌هایی مشخص و برنامه‌ریزی شده یا خلاف آن برگزار شود. شرکت نکردن در این مراسم، مجال حجم زیادی از تعاملات همسایگی را از بین می‌برد. دختر خانمی ۲۲ ساله می‌گوید:

الان اگر همسایه یک مراسمی داشته باشه و بخواد همسایه‌ها رو دعوت کنه من که نمیرم یا تا حالا شده بین همسایه‌ها کسی فوت کنه. ولی اینکه تشیع جنازه بخوایم بریم اینا نه. مراسم ختمشو من نرفتم ولی مادر پدرم گاهی رفتن.

در مجتمع‌های کوچک و بزرگ، امور مربوط به ساختمان، موضوع مهم و غیرقابل اجتنابی است که می‌تواند تعاملات زیادی میان ساکنین را سبب شود. از جلوه‌های فقدان تعامل همسایگان، عدم رفت‌وآمد به منزل همسایه‌ها حتی برای جلسات کاری ساختمان است. مردی ۲۹ ساله و متأهل - که مذهبی نیز هست - گفته است:

محل جلسه توی حیاط هست، تو خونه نیست که بخوایم جایی حاضر بشیم. حداکثر زمانش خیلی بعیده که از یک ساعت رد می‌شد، چون همه ایستاده بودیم دیگه یک حدی داشت. خب شب بود خیلیاشون مغازه‌دار بودن برگشته بودن خونشون ماهم بالاخره خسته بودیم دیگه. فقدان تعامل مستقل و مستقیم همسایگان با یکدیگر توسط مردی ۳۳ ساله که به‌تازگی متأهل شده این‌گونه توصیف شده است:

اینها رو بیشتر معطوف به مادرم می‌گم. چون روابط همسایگی ما حتی تا الان بین کسایه که دوستای مادرم هستن. من اخباری که دارم با واسطه‌اس. به‌لحاظ شخصیتی درون‌گرا هستم و حداقلی با یکسری از افراد سلام علیک دارم. اونم با واسطه مادرم. ارتباط با همسایه‌ها از طریق مادرم بوده.

آگاهی از دیگران و احوالات آن‌ها، یا محصول تعامل با آن‌هاست یا از جنس شناخت‌های غیرمستقیم. به همین خاطر همسایگانی که با یکدیگر تعامل ندارند لزوماً بی‌خبر از احوال یکدیگر نیستند. در این مقوله، گزارشاتی صریح از اطلاع غیرتعاملی از همسایگان نقل شده و این امر، بر فقدان تعامل میان همسایگان دلالت می‌کند. مرد ۳۲ ساله چنین اظهار می‌دارد:

... و ما خیلی چیزها رو از همون داد و بیدادا می‌شنیدیم و می‌فهمیدیم. ما بهشون نزدیک نبودیم که از مشکلاتشون باخبر باشیم به‌خاطر دعواهاشون می‌فهمیدیم. یا تو ساختمون قبلیمون خب عده‌ای چندبار با دسته گل اومدن فهمیدیم خواستگاره و دخترشون داره عروس میشه نه اینکه اونا بیان بگن.

کمبرود تعاملات همسایگان

طبق گفته‌های مصاحبه‌شوندگان، تعامل میان شخص با همسایگانش لزوماً صفر نیست اما میزان تعاملات موجود، اغلب بسیار اندک است. به این ترتیب ممکن است پاسخ شخص به سؤال درباره فقدان تعامل، منفی باشد اما عملاً با کسی که هیچ‌گونه تعاملی با همسایگانش ندارد چندان تفاوتی نداشته باشد.

جدول ۳. کمبود تعاملات همسایگان

مقوله عمده	مقولات فرعی	مفاهیم و معانی مستخرج از مصاحبه‌ها
کمبرود تعاملات همسایگان	محدود بودن اصل روابط و تعاملات همسایگی	محدود بودن روابط با همسایگان (۲) / تعامل بسیار محدود با همسایه‌ها به‌صورت فردی / کم بودن تعامل با همسایه‌ها و بچه‌محل‌ها / عدم تمایل به افزایش رابطه با همسایه‌ها
	محدود بودن ظرفیت‌های تعامل (و رابطه) همسایگی	تعامل تنها با یک همسایه / داشتن تعامل تنها با سه همسایه (۲) / تعامل تنها با یکی از اعضای خانواده همسایه (۲) / محدود بودن رابطه تنها با یکی - دو همسایه (۴) / محدود بودن تعداد همسایه‌های رفت‌وآمدی در گذشته نزدیک / انتخاب دلخواهانه تنها معدودی از همسایه‌ها برای تعامل
	محدود بودن شعاع همسایگی	محدود بودن ارتباط با همسایگان به اهالی چهار منزل ساختمان / محدود بودن تعاملات به همسایگان داخل آپارتمان در گذشته / تعامل بسیار کم آن‌هم تنها با همسایه‌های ساختمان / تعامل گهگاهی تنها با همسایه‌های ساختمان خردمان / تعامل تنها با همسایه دیواره‌دیوار / تعامل تنها با صاحبخانه (ساکن در طبقه پایین)
	محدود بودن سطح‌های متعامل در میان همسایه‌ها	تسری‌پیدا کردن تعامل همسایه‌ها به مردان / کم بودن تعاملات مردان همسایه در گذشته / اندک بودن تعاملات مردان همسایه / فعال نبودن پسران در رابطه همسایگی / محدود بودن تعامل همسایه‌ها در سطح والدین / کم بودن تعامل پدر و مادر با همسایه‌ها از زمانی که بیاد دارم / تعامل تنها یکی از والدین (مادر) با همسایه‌ها / حضور بسیار کم نسل بعد در جلسات مختلف زنان همسایه
	محدود بودن تعامل همسایگی به موضوع موردی	تعامل با همسایه تنها بر سر جابه‌جا کردن خودرو / تعاملات موردی مردان همسایه (۳) / محدود بودن تعامل به تعاملات موردی ضروری با همسایه (۴)
	تعامل همسایگی موضوعات خاص	تعامل با همسایه در حد رفع نیاز (۳) / تعامل بسیار محدود با سوپر مجتمع در حد خرید / تعامل در حد سلام و علیک با همسایه‌ها (۱۳) / محدود شدن رفت‌وآمد با همسایه تنها به‌واسطه روضه / رابطه همسایگی فقط به‌واسطه مراسم مذهبی / تعاملات محدود به مسائل کاری مردان همسایه (۳) / محدود بودن رابطه با مدیر ساختمان در موضوعات اجرایی ساختمان
	محدود بودن موضوع و طرف‌های تعامل همسایگی	تعامل با همسایه‌های آشنا در مواقع خاص / تعامل بسیار اندک با همسایه‌های آشنا (۲) / تعامل بسیار محدود با نگرانان مجتمع در حد نکان دادن دست / تعامل بسیار محدود تنها با مدیر ساختمان در حد مرادفات مالی / تعامل بسیار محدود تنها با مدیر مجتمع در حد دادن پول شارژ ساختمان / محدود بودن رفت‌وآمد به خانه همسایگان به رفت‌وآمد مادر به روضه / محدود بودن گستره تعاملات با همسایه دارای رابطه (۵)
	طول مدت محدود تعاملات همسایگی	کوتاه بودن مدت تعامل با همسایه آشنا / محدود بودن طول مدت تعامل آن‌هم با یک همسایه / تعامل کوتاه با سه همسایه / طولانی نبودن تعامل با همسایگان

دسته اول مضامین مربوط به کمبود تعاملات همسایگان، محدود بودن اصل رابطه و تعامل میان همسایگان است. مثلاً خانمی مجرد می‌گوید:

روابط ما با همسایه‌ها مون خیلی محدوده. چی بشه باهاشون ارتباط بگیریم. خوبه آدم ارتباط داشته باشه ولی انگار همیشه. یعنی در عمل نشده. خیلی کم پیش میاد با بیشتریاشون اصلاً آشناییتی نداریم و نمیشناسیمشون.

یک جنبه از کمبود تعاملات همسایگان، محدود بودن طرف‌های تعامل همسایگی است. کمبود تعاملین، به معنای محدودیت رابطه‌های اجتماعی و بنابراین عنصری ساختاری برای تسهیل کمبود تعامل است. این مقوله خود شامل مقولاتی جزئی‌تر است: محدودیت تعداد همسایه‌های متعامل، محدود بودن شدید شعاع همسایگی و محدود بودن سنخ‌های متعامل در میان همسایه‌ها. زنی ۲۳ ساله می‌گوید:

در ساختمون ۲۳ همسایه داریم و خونه ۲۴ واحدیه و در هر طبقه ۴ واحده که از بین این ۲۳ واحد فقط با واحد روبرومون ارتباط داریم.

جنبه دیگر، محدودیت شعاع همسایه‌های متعامل است و مثلاً نشان‌دهنده این است که مردم با همسایگان بیرون از ساختمان سه‌واحدی خودشان تعاملی ندارند. برای مثال جوان متأهل و ۲۹ ساله‌ای می‌گوید:

با همسایه‌هایمون بسیار کم ارتباط داریم. اونم فقط همسایه‌های توی ساختمانمون. همسایه طبقه سوممون اگه کاری داشته باشند میاد می‌شیننه صحبت میکنه. همون یک دونه همسایه. طبقه‌های دیگه مستأجرند یا نیستند یا ارتباط نداریم.

در خصوص محدودیت سنخ همسایگان متعامل، مردان و پدران همسایه، از جمله مواردی‌اند که عدم‌تعامل آن‌ها تصریح شده است. همچنین محدود بودن تعاملات همسایگان به والدین یا فقدان تعامل میان اشخاص نسل‌های بعد مواردی است که در مجموع، تعاملات همسایگی را با محدودیت مواجه کرده است.

به‌دسته‌ای از گزارش‌های مربوط به «کمبود تعاملات همسایگی» از جهت موضوع تعاملات توجه شد. مثلاً مردی ۳۴ ساله و مالک خانه، گفته است:

تنها ارتباط در این حد که صبح می‌خوایم ماشینو جابه‌جا کنیم یک سلام‌علیک داریم. چیزی که باعث میشه ارتباطم با اینا حفظ بشه جابه‌جا کردن ماشینه چون تقریباً همه اینها ماشین دارن

همین باعث شده که حداقل روزی یک‌بار زنگ در خونه همدیگرو بزنیم؛ اگر همین ماشین‌ها نبود ارتباط من با اینها کلاً قطع می‌شد.

وجه دیگر کمبود تعاملات، کمی مدت تعامل است. خانمی ۵۸ ساله - که ۳۰ سال در خانه فعلی ساکن است و همسایگانی با همین تعداد سال قدمت دارد- گفته است: معمولاً این ارتباطی کم‌مومن هم زیاد طول نمی‌کشد. حداکثرش اینه که مثلاً چون داشتم پارکینگ‌مون رو می‌شستم اون خانمم اومد بیرون و یه مقدار چون دخترم هم حال‌ندار بود اومد حال دختر من رو بپرسه یه مقدار با هم صحبت کردیم.

کاهش تعاملات همسایگان

توجه در این مقوله افزون بر «کمبود» عنصر «زمان» است و مربوط است به کم‌شدن تعاملات میان همسایگان طی سال‌ها یا دهه‌های اخیر.

جدول ۴. کاهش تعاملات همسایگان

مقوله عمده	مفاهیم و معانی مستخرج از مصاحبه‌ها
کاهش تعاملات همسایگان	بی‌خبر گذاشتن همسایه از ازدواج فرزند علی‌رغم اطلاع دادن قبلی‌ها/ جمع نشدن همسایگان برای چهارشنبه‌سوری برخلاف گذشته/ عدم تمایل نسل بعد به حضور در جلسات زنانه همسایگی/ فاصله‌گرفتن همسایه‌ها از یکدیگر بر خلاف گذشته/ هم‌صحبت نشدن زنان در کوچه برخلاف گذشته نزدیک/ کاهش تعاملات با دوستان هم‌محله‌ای/ کاهش تعاملات با همسایه سابقاً صمیمی/ کاهش تعاملات با همسایه صمیمی نسبت به گذشته/ کاهش تعاملات همسایگان در محله با وجود سکونت زیاد/ کاهش تعاملات همسایگی در محله جدید/ کاهش تعاملات همسایگی نسبت به گذشته/ کاهش دوره‌های همسایگان/ کاهش ردوبدل کردن نذری و امانت آن با همسایه‌ها/ کاهش روابط همسایه‌ها در گذر زمان

گزارش‌های متنوع و مکرری از کاهش تعاملات همسایگان از سوی مصاحبه‌شوندگان ارائه شده است. مثلاً مردی ۳۴ ساله و ساکن حاشیه شهر مشهد از تغییر رویکرد همسایه‌اش در اطلاع‌رسانی ازدواج فرزندانش در گذر زمان گفته است:

اگر بخوام مثال بزنم همین پسر همسایمون آقا اسماعیل که صمیمی بوده با من، از افرادی بود که با بابای من سلام‌علیک داشتن و آب و برق و گاز بهمون دادن، یک پسر بزرگ داره که موقعی که ازدواج کرد برای مراسم عروسی دعوت‌مون کرد، ولی پسر کوچیکش رو چن وقت پیش توی کوچه دیدم دست یک خانمو گرفته. بعدا فهمیدم ۲۰ روزه ازدواج کرده اون بهم هیچی نگفت. رابطه‌ها در این حد سرد شده. مثلاً قبلنا خواستگاری رفته بودن اومدن دم در خونه‌مون شیرینی داده بودن، ولی این یکی آخری هیچی.

تعاملات مقطعی همسایگان

ایجاد گروه و تولید هنجار، شکل‌گیری توافق و... در گرو استمرار تعامل است و تعاملات مقطعی، از ایجاد گروه و واقعیت‌هایی که از جنس گروه هستند مثل سازمان اجتماعی، اجتماع و جامعه ناتوان‌اند.

جدول ۵. تعاملات مقطعی همسایگان

مقوله عمده	مفاهیم و معانی مستخرج از مصاحبه‌ها
تعاملات مقطعی	گفتگو با همسایه تنها یکبار/ سلام و علیک با همسایه‌های آشنا تنها در صورت برخورد اتفاقی/ مواجهه در کوچه، عامل احوالپرسی از تک‌توک همسایه‌های شناس/ شرکت در روضه‌های فاطمیه یکی از همسایه‌ها، سالی یکی-دو بار/ تجمع و تعامل مقطعی همسایه‌ها در اثر اتفاقات لحظه‌ای

یکی از مصاحبه‌شوندگان که مردی است ۳۳ ساله می‌گوید:
 ما الان ۶ ساله توی این خونه میشینیم. حقیقتش من فقط یکی از همسایه‌ها رو به چهره می‌شناسم. توی روضه صاحب‌خونه‌مون که اومده بود با هم سلام‌علیک کردیم چند باری. اگر یک‌وقت توی کوچه ببینیم همو سلام‌علیک می‌کنیم.

تعاملات سرد همسایگان

وجه مسئله‌ای تعامل سرد، ناخوشایندی ذاتی آن برای انسان است و البته از حیث پیامدهای منفی آن نیز حائز اهمیت است. طبق گزارش برخی از پاسخگویان، تعاملات سرد همسایگان، تعاملی رایج میان آنهاست. بخش قابل‌توجهی از تعاملات سرد همسایگان مورد‌مصاحبه، عمل‌های مقرون به آزار و اذیت بوده است. آزار، عملی است که موجب رنجش دیگری شود (عمید، ۱۳۸۵) و اذیت مترادف آن است. هیجان همراه با آزار و اذیت، هیجاناتی همچون خشم، ناراحتی، بیزاری و انزجار است و مولد اضطراب و تنش و در نتیجه ناخوشایند است. در ادامه یک شاهد از آزار و اذیت همسایگان نسبت به یکدیگر نقل شده است.

سروصدای مهمانی‌هاشون توی حیاط، اذیت‌کننده است... به‌خاطر سروصدای مهمونا یا خود همسایه‌ها یا پارک خودروشون یا چیزایی مثل اینا. از همین ۲-۳ تا همسایه‌که بیشتر برخورد داریم آسیب دیدم. طوری‌که برای وارد منزل شدنمون به مشکل برخوردیم بارها و بارها مجبور شدم زنگشونو بزنم و خواهش کنم بیان ماشینشون بردارند و بابت سروصدای بچه‌هاشونم به مشکل برمی‌خوریم.
 کنش‌های خودخواهانه، ظرفیت بالایی برای تبدیل شدن به عمل‌های سرد دارند؛ زیرا شخص خودخواه و متمایل به کسب منفعت شخصی، وقتی به تعامل اجتماعی اقدام می‌کند، تنها نفع خود

را مدنظر دارد و به آثار منفی عملش توجهی ندارد. در نتیجه عملش ممکن است، مولد رنج و ضرر برای دیگران باشد. همچنین در صورت توجه نیز به دلیل ترجیح افراطی نفع شخصی، در صورت وجود تزامم بین نفع خود و دیگری، آگاهانه نفع خود را ترجیح می‌دهد حتی اگر نفع او خواسته‌ای غیر ضروری و نفع دیگری، نیازی فوری و اساسی باشد و اگر لازم باشد، از اقدام به عمل یا تعامل سرد نیز برای رسیدن به خواستش، ابایی ندارد. افزون بر این ممکن است نیاز دیگری با اقدامی بسیار کم‌هزینه از سوی شخص دیگر رفع شود اما ممکن است شخص خودخواه به دلیل عدم دگرخواهی، حاضر به این کار نشود. با در نظر گرفتن فراگیری این پدیده، ظهور آثار منفی حاصل از تکرر تعاملات خودخواهانه، عجیب نیست.

جدول ۶. تعاملات سرد همسایگان

مقوله عمده	مقولات فرعی	مفاهیم و معانی مستخرج از مصاحبه‌ها
تعاملات سرد همسایگان	آزار دادن و دیدن همسایه‌ها	آزار از سروصدای مهمانان همسایه / آزار دیدن از پارک خودرو همسایه جلوی درب منزل / آزار همسایه از رفت‌وآمدهای نامشروع به خانه همسایه / آزار همسایه از بیچیدن صدای روابط نامشروع همسایه در ساختمان / آزار همسایه‌ها از ریختن آب اضافه پشت‌بام به داخل کوچه / آزار همسایه‌ها از صدای سنگ خاکنی همسایه / آزار (رنجش) از سروصدای بی‌موقع بچه همسایه / آذیت شدن به واسطه پارک بیش از اندازه خودرو در پارکینگ توسط همسایه / آذیت کردن همسایه‌ها / ایجاد سروصدا زیاد در مهمانی‌ها برای همسایه‌ها / بلند بودن صدای دعوی خانوادگی همسایه / بلند کردن آزاردهنده صدای تلویزیون توسط همسایه / بلند کردن صدای تلویزیون در زمان نامناسب در روز / بی‌توجهی به تراحتی همسایه از پنجره‌های مشرف به خانه همسایه / ترک خانه به‌خاطر آزار از صدای روابط نامشروع همسایگان / تعیین پنجره کاملاً مشرف به خانه همسایه بر خلاف قانون و رعایت / تعصیر نکردن ظرفی خانه و بی‌توجهی به خراب‌شدن خانه همسایه / تقاضا از همسایه در زمان‌های نامناسب / شانه‌روزی / تقاضای متقابل از همسایه در زمان‌های نامناسب روز / خراب کردن ابزارکام همسایه در اثر کثرت بازی / رها کردن قاضاب خانگی در کوچه مایه رنجش همسایه‌ها / سروصدای زیاد همسایه‌ها / سروصدای فرزندان در بازی در آپارتمان برای همسایه‌ها / سوت زدن زیاد همسایه مایه رنجش همسایه / سستن ماشین در کوچه مایه رنجش همسایه / صدای مرغ و خروس همسایه مایه رنجش همسایه / متضرر کردن همسایه‌ها با عدم پرداخت پول شارژ توسط سایر همسایه‌ها / معطل نگه‌داشتن همسایه برای چایچه کردن خودروی خود / مورد آزار قرار گرفتن دختر همسایه توسط پسر همسایه هنگام نبود پدر / نادیده گرفتن حقوق همسایه‌ها در محله / تراحت بودن همسایه‌ها از سنگ دالشتن همسایه / پارک کردن خودرو جلوی در خانه / پارک خودروی مهمان در پارکینگ / کثرت‌بازی مایه رنجش همسایه / گذاشتن آشغال جلوی در خانه همسایه
	تعاملات خودخواهانه نسبت به همسایگان	برقراری تعامل با همسایه در صورت مفید بودن تعامل با او / توجه به منافع شخصی در برقراری تعامل با همسایه / توجه به منافع شخصی در تعصیر آسانسور / خودخواهی و بی‌توجهی به منافع همسایه در حل مسائل مربوط به مشاعات / رد تقاضای کاهش صدای آزاردهنده تلویزیون / رها کردن قاضاب در کوچه برای عدم پرداخت اندک هزینه تخلیه چاه / برقراری تعامل با همسایه در صورت مفید بودن تعامل با او
	عدم پایبندی به تعهدات همسایگی	حساب نکردن روی قول همسایه مانند دیگر افراد جامعه / خلف وعده همسایه و فریب و عدم مسئولیت‌پذیری / خلف وعده همسایه‌ها / عدم رعایت توافقات همسایگی بر سر جای پارک خودرو / عدم رعایت توافقات همسایگی بر سر زمان گذاشتن زانه در کوچه / مسئولیت‌ناپذیری همسایه‌ها نسبت به منافع مشترک / نقض توافقات توسط همسایه‌ها
	سرک کشیدن و دخالت در زندگی همسایگان	نجس در زندگی همسایه / تلاش همسایه‌ها برای اطلاع از محتوای بسته پستی همسایه / دخالت در امور زندگی شخصی همسایه / دخالت‌های زیاد همسایه در زندگی همسایه / دلبور شدن از همسایه برای تذکر دادن / سنجش همسایه‌ها نسبت به هم / سرک کشیدن در امور زندگی همسایه / فنلوس شدید یکی از همسایه‌ها
	کشمکش و نزاع میان همسایه‌ها	اختلاف در مورد انباری / اختلاف بر سر سوختن لامپ‌های ساختمان / اختلاف بر سر بستن در ورودی ساختمان با همسایه / اختلاف بر سر نظافت پارکینگ / اختلاف بر سر کثیفی مشاعات / اختلاف بر سر جای پارک خودرو در کوچه / استنشاد جمع‌کردن از دیگر همسایه‌ها علیه همسایه دیگر / استفاده از لحن تند برای چایچه کردن خودرو / جرحوتت همسایه‌ها بر سر بلند بودن صدای آن‌ها در دعوا / دادن بدترین جای پارکینگ به مستأجر توسط سایر مالکین موضوع اختلاف / دست‌بسته شدن و دعوا کردن همسایه بر سر جای پارک خودرو / دعوا بر سر بی‌توجهی همسایه به خراب‌شدن خانه دیگری / دعوا بر سر خرابی‌های آسانسور / دعوا بر سر خرابی‌های پشت‌بام (مشترک بودن مشت بام) / دعوا بر سر پارکینگ بین همسایگان / دعوا بین همسایه‌ها و شکایت از هم / دعوی شدید لفظی همسایه طبقه چهارم و طبقه اول / دعوی مدیر ساختمان با همسایه‌ها به‌خاطر عدم پرداخت شارژ / دعوی همسایه‌ها بر سر مسائلی عمومی ساختمان / دعوی همسایگان بر سر زمان گذاشتن زانه‌ها در کوچه / شایکی شدن همسایه‌ها از سروصدای بچه‌ها در کوچه / شکایت از همسایه / فحش دادن همسایه‌ها به یکدیگر / قهر کردن همسایه‌ها بعد از دعوا بر سر جای پارک خودرو
	بدگوئی	حرف‌زدن پشت سر زن بیوه همسایه به‌خاطر رابطه با خانواده همسایه
	رابطه سرد	رابطه سرد ناشی از تعارض منافع با همسایه دارای رابطه
	سوداستفاده	سوداستفاده از دختر همسایه

مرد متأهل ۲۹ ساله‌ای می‌گوید:

من ترجیح میدم ارتباط داشته باشیم اما به شرطی که برامون مفید باشه. مثلاً این همسایه تو مجتمع چون به کار فنی نیاز داشتیم باب آشنایی باز شد. چون آدم فنی هست به درد من خورده چون من خودم فنی نیستم و در حد کارای ساده اومده برامون انجام داده. این باعث تعاملونه. پایبندی به تعهد، لزوماً عمل اجتماعی گرم نیست اما عدم پایبندی به تعهد، عمل اجتماعی سرد است. خانم میان سالی ساکن یکی از مناطق برخوردار مشهد می گوید:

پنجره خونه همسایه کاملاً مشرفه بعد من یکی دو بار تذکر دادم که من به خاطر اینکه فرمودید هزینه کردید خواستم با شما راه بیام و پذیرفتم پنجره تون متحرک باشه و شما قول اخلاقی میدید که باز نکنید ولی متأسفانه باز می کنن و تذکر دادم که پنجره تون باید شیشه هاش مشجر باشه بارها گفتم ایشون می گن ما نگاه نمی کنیم و نهایتش وقتی بعدش چند بار احساس نارضایتی کردم و گفتم اینا قانوناً مشکل داره با کمال وقاحت به من گفتند ما پایان کار گرفتیم شما دستتون به هیچ جا بند نیست. یعنی به همین راحتی زد زیر همه چی. انگار نه انگار که اولش تعهد کرده بود...

کلمن در خصوص توافق و هنجارهای مؤثر معتقد است: «تا زمانی که کنشگر منفرد حق کنترل بر کنش خود را داشته باشد، هیچ هنجاری وجود ندارد و تا حقی به وجود نیامده باشد هیچ هنجاری وجود نخواهد داشت. هنجار تنها هنگامی وجود دارد که دیگران حق تأثیرگذارن بر جهتی را که کنش کنشگری در پیش خواهد گرفت به دست می آورند» (کلمن، ۱۳۹۰: ۳۷۰). در واقع کلمن لازمه ایجاد هنجارهای مؤثر و توافق را اعطای حق نظارت به دیگران می داند؛ امری که به معنای کاستن از آزادی خویشتن است و آنچه کنشگر را به آن ترغیب می کند، منافی است که در قبال آن به دست می آورد. این نظارت و کنترل، بهایی است که کنشگران در کسب منافع دیگر می پردازند اما در شکل مرضی آن، ممکن است کنشگران بدون کسب منفعت و مطلوبیتی، آزادی خود را از دست رفته ببینند. در چنین حالتی شخص ممکن است با انگیزه های مختلف و عموماً به قصد تجسس، تلاش کند به طور آشکار یا پنهان از احوالات دیگری از جمله همسایگان باخبر شود و به اطلاعاتی دست پیدا کند که مورد رضایت دیگری نیست.

باید یادآور شد که تراکم تعاملات و به خصوص تعاملات غیررسمی و نزدیک، سبب اطلاع گسترده و عمیق از احوال دیگران است که می تواند کاملاً کارکردی و در زمان مشکلات، مفید باشد اما می تواند زمینه ساز سوءاستفاده شود.

مشکل زمانی عمق بیشتری می‌یابد که شخص به اطلاع‌یابی و نظاره‌گری بسنده نمی‌کند و خبرچینی و اطلاع‌رسانی و بالاتر از آن دخالت و تعیین تکلیف می‌کند و موجبات نارضایتی را فراهم می‌کند.

در ادامه یکی از مصادیق نظارت آزردهنده و بدون منفعت همسایگان، نقل شده است. خانمی میانسال و ساکن مناطق بالای شهر می‌گوید:

همسایه‌هایی که بیشتر باهم رابطه دارن به همون نسبت فضولی و دخالت هم بیشتره. الان لااقل اگه رابطه ندارند این چیزها هم کمتره. از این چیزها هم آدم راحت شده مثلاً فکر کنید همسایه‌های جاریم سبزی می‌گیرن باهم پاک می‌کنند یه کاری دارن فکر کنید مثلاً یه همسایه باقالی می‌گیره همسایه‌های دیگه‌ام میرن پاک می‌کنن فردا یکی دیگه می‌گیره همه میرن. ظاهراً خیلی قشنگه همه به هم کمک می‌کنن ولی تو جمعشون نیستید اولاً از کار همدیگه سر در میارن دوما خبر خونه‌های همدیگر رو به هم میدن... در باطن یه آسیب‌هایی هم داره.

می‌دانیم که ستیزه با بیزاری، خشم، ناراحتی، اضطراب، تنش و تحقیر و هیجانات منفی دیگری که به همراه دارد، امری نامطلوب است. کشمکش و نزاع، ستیزه است و نه خوشایند آدمی است و نه از جهت آثار آن، فی‌نفسه مطلوبیت دارد. مردی ۳۴ ساله می‌گوید:

یا مثلاً سرانباری هم این اتفاق می‌افتاد، سر مشاعات مثل شستشوی پارکینگ، تعمیر و استفاده از آسانسور، این مشکلات پیش می‌اومد. یا مثلاً زیاد پیش می‌ومد برای امنیت خونه دعوایی می‌شد چون زیاد پیش می‌ومد که یکی از ساکنین، پارکینگ رو ترک کرده و در پارکینگ رو نبسته، زنگ می‌زدم در خونشون می‌گفتم شما اومدی داخل ولی درو نبستی بیا ببند. این جور مسائل مربوط به ساختمان، باعث بگومگو و درگیری می‌شه.

ضعف تعاملات گرم همسایگان

نیاز انسان به دریافت و اعطای محبت و احترام‌گذاشتن و دیدن، جز نیازهای اساسی انسان است و این‌ها، با تعامل اجتماعی گرم ممکن است. منبع تعامل گرم، عموماً و به‌طور طبیعی و فراگیر، انسان‌های دیگرند. در نتیجه انسان به انسان‌های دیگر و تعاملات گرم آنان نیازمند است. تعامل گرم، فی‌نفسه لذت‌بخش است و مطلوب آدمی. از آنجایی که تعامل گرم، لازمه تولید همبستگی اجتماعی است در نتیجه رفع نیاز جمعی انسان‌ها به این‌ها تابع تعاملات گرم است و کمبود آن، از جهت جمعی نیز اختلال آفرین است. ضعف تعاملات گرم میان همسایگان، جلوه‌های مختلفی دارد.

سرژ پوگام پیشنهاد می‌کند «هر نوع رابطه اجتماعی بر مبنای دو بُعد حمایت و بازشناسی تعریف شود». او معتقد است: «رابطه‌های اجتماعی... به افراد در عین حال حمایت و بازشناسی لازم برای هستی اجتماعی‌شان را عرضه می‌کنند». او چهار نوع رابطه اجتماعی را از هم متمایز می‌کند که یکی از آن‌ها رابطه مشارکت انتخابی است و به «فرایند اجتماعی شدن در بیرون از محیط خانوادگی ناظر است و در جریان آن، فرد در چارچوب گروه‌های گوناگون و نهادها با افراد دیگری که می‌شناسد ارتباط برقرار می‌کند». او مکان‌هایی که این اجتماعی شدن در آن‌ها شکل می‌گیرد را از جمله شامل گروه‌های همسایگی می‌داند (پوگام، ۱۳۹۵).

در نتیجه، رابطه همسایگی قابلیت حمایت را داراست اما گزارش مصاحبه‌شوندگان حاکی از حمایت نکردن و حمایت نشدن است. مرد جوانی که در حدود ۳۰ سال سن دارد و در یکی از مناطق متوسط شهر مشهد ساکن است در پاسخ به این سؤال که «آیا اگر کمکی مورد نیاز باشد، ممکن است از همسایه‌ها کمک بخواهید؟» بیان می‌کند:

ارتباط هیچ‌وقت به این‌نحو نبوده که ما احساس کنیم می‌تونیم بریم از همسایه قرض کنیم یا بخوایم ضامن بشه یا مشکلی پیش بیاد بخوایم بهشون اعتماد کنیم و مشورت کنیم.

جدول ۷. ضعف تعاملات گرم همسایگان

مقاله عمده	مقولات فرعی	مفاهیم و معانی مستخرج از مصاحبه‌ها
ضعف تعاملات گرم همسایگان	حمایت نشدن (دریافت نکردن حمایت)	حساب نکردن روی کمک‌های همسایه‌ها (۳) / حساب نکردن روی کمک اقتصادی همسایه‌ها (کمک نکردن) / حساب نکردن روی همسایه‌ها برای قرض گرفتن / حساب نکردن روی کمک همسایه‌ها در هیچ موضوعی و هیچگاه / حساب کردن روی کمک تنها دو همسایه آشنا / عاریه نکردن وسیله از همسایه‌ها / ترجیح تهیه وسایل مورد نیاز از کسائی غیر از همسایه‌ها / عدم استقراض از همسایه / عدم استقراض مالی از همسایه / قرض نکردن پول از همسایه‌ها / متصور نبودن قبول نگهداری فرزند کوچک همسایه / نکردن هیچ وسیله مورد نیاز از همسایه‌ها / کمک نخواستن هیچ همسایه‌ای در هیچ موضوعی
	مضایقه از حمایت اجتماعی (حمایت نکردن از دیگران)	ناظران کناره‌گیر در مواجهه با دعوی همسایگان / ضامن نشدن همسایه‌ها برای هم / احوالپرسی از همسایه مریض تنها در کوچه / ردودل نشدن هدیه بین همسایه‌ها / ردودل نشدن هدیه بین همسایه‌ها / عدم تبریک به همسایه بابت خرید خودرو / عدم حضور همسایه در خانه همسایه متوفی برای کمک به خانواده او / عدم وساطت همسایه‌ها در دعواها / نرفتن به عیادت همسایه بیمار / پنهان نگاه داشتن استخدام شدن از همسایه‌ها برای ضامن نشدن / کاهش شدید حمایت همسایگی در مصیبت‌ها / کمک بسیار زیاد همسایه‌ها در گذشته برخلاف اکنون
	گرم نبودن تعاملات با همسایگان دارای رابطه	روابط بسیار دوستانه با همسایه‌ها در گذشته برخلاف اکنون / روابط گرم‌تر همسایگان مسن‌تر / روابط خنثی یا سردتر همسایگان کمسن / فقدان رابطه صمیمی با همسایه‌ها
	عدم گذران اوقات فراغت با همسایه‌ها	گردش نرفتن با همسایه‌ها به درون و بیرون شهر / نرفتن مردها به گردش بیرون یا درون شهری با همسایه‌ها / حذف برنامه‌های تفریحی همسایگی / عدم خوشگذرانی همسایه‌ها برخلاف گذشته / عدم تکرار تجربه‌های مثبت فراغتی با همسایه‌های سابق و جدید
	سایر	با پیش نگذاشتن در برقراری تعامل گرم / کمک خواستن بسیار کم همسایه‌ها

برخی دیگر گزارش کرده‌اند که خودشان نیز از همسایگان حمایت نکرده‌اند. مردی ۳۴ ساله و ساکن چندین ساله در خانه فعلی، می‌گوید:

تا حالا نشده به این پیرزن همسایه که افتاده تو خونه و مریض احواله سرزده باشیم. ولی هر وقت که صداش رو می‌شنوم وایمیستم و حالش رو می‌پرسم... یعنی عیادت نرفتیم تاحالا. افزون بر فقدان رابطه و فقدان تعامل، رابطه‌ای که تعاملاتش گرم نباشد نیز می‌تواند مشکل تلقی شود؛ چه این تعامل سرد باشد و چه خنثی^۱. مثلاً زمانی که تعاملات همسران با یکدیگر همانند تعامل فروشنده و خریدار باشد. برخی به فقدان تعامل گرم با همسایگان نشان تصریح کرده‌اند. برای مثال مردی میانسال و ساکن یکی از مناطق متوسط چنین اظهار می‌کند: اون‌هایی که با هم یکم بیشتر رابطه دارن، رابطه گرمی نیست من گاهی اوقات با آقا تورج نه تنها حرف مشترکی ندارم تضادمنافع هم دارم که باعث میشه با اینکه رابطه داری ولی رابطه گرم نباشه.

فراغت به معنای زمانی است که شخص در آن متعهد به انجام وظیفه‌ای نیست و می‌تواند آن زمان را به فعالیت‌های دلخواه خویش اختصاص دهد. در اینجا ترجیحات اشخاص مجال بیشتری برای بروز پیدا می‌کند زیرا شخص ناچار نیست زمان خود را به وظایفش-دلخواهش باشد یا نباشد- اختصاص دهد.

اینکه مردم فراغت خود را به تعامل با همسایگان خود اختصاص می‌دهند یا خیر، نشان‌دهنده جایگاه تعاملات با همسایگان در نظام ترجیحات آنان است. مردی متأهل و ساکن یکی از مناطق متوسط می‌گوید:

جایگاه همسایه‌ها توی اوقات فراغت ما، صفره. نه تفریح داخل شهری، نه گردش بیرون شهری، نه مسافرتی، این جور رابطه‌ای نداریم نه. شاید بعضی همسایه‌ها اونم ۲۰ سال پیش که بچه‌هاشون خیلی کوچیک بودن یکی دوبار رفته باشن.

۱. باید توجه کرد که تعامل سرد با تعامل خنثی یکسان نیست: «تعامل می‌تواند از بعد احساس عاطفی همراه آن، تعامل «خنثی» یا «عاطفی» باشد؛ تعامل خنثی یعنی تعامل بدون هیجان و بدون عاطفه و برعکس تعامل عاطفی، تعامل دارای هیجان است. تعامل عاطفی ممکن است تعامل «سرد» یا «گرم» باشد. تعامل گرم، تعاملاتی است که بار عاطفی آن، «مثبت» است؛ یعنی با هیجان خوشایند همراه است؛ مانند لبخند زدن، هدیه دادن، قرض دادن، وفای به عهد و «نوبت خود را به دیگری دادن» و تعامل سرد، به تعاملاتی مانند کتک زدن، دیگرآزاری، دشنام دادن و قتل اطلاق می‌شود که بار عاطفی آن، «منفی» است؛ یعنی همراه است با هیجان ناخوشایند و زجرآور. (صدیق اورعی، فرزانه، باقری، و محمدی، ۱۳۹۸: ۳۴)

عدم مشارکت و همکاری همسایه‌ها

تأثیر بسیارگستره و پیوسته درحال افزایش همکاری درطول تاریخ، قابل‌کتمان نیست. ۱ افزون‌براین، همیشه دلیل موجهی برای ترجیح ابزار، طبیعت و ... بر انسان و قطع همکاری با انسان‌ها وجود ندارد. یکی از مشکلات تعاملی همسایگی، «عدم مشارکت و همکاری همسایه‌ها» است.

جدول ۸. عدم مشارکت و همکاری همسایه‌ها

مقوله عمده	مفاهیم و معانی مستخرج از مصاحبه‌ها
عدم مشارکت و همکاری همسایه‌ها	عدم مشارکت برای حل مشکل همسایه/ عدم مشارکت در برطرف‌کردن مشکل فاضلاب کوچه/ عدم مشارکت در تمیز نگه‌داشتن کوچه/ عدم مشارکت در هزینه‌های مربوط به تعمیر آسانسور/ عدم مشارکت همسایه‌ها با یکدیگر/ عدم مشارکت همسایه‌ها برای پرداخت هزینه آگو/ عدم مشارکت همسایه‌ها برای پیگیری اسفالت کوچه/ عدم مشارکت همسایه‌ها در امور مشترک ساختمان/ عدم مشارکت همسایگان در برطرف‌کردن روشنایی کوچه/ عدم مشاهده تعامل همسایه‌ها برای حل مشکلات کوچه/ عدم همکاری همسایه‌ها در نظافت مجتمع/ عدم پرداخت به‌موقع هزینه‌های منافع مشترک ساختمان/ غیرمحمتمل بودن جذب مشارکت همسایگان - بخصوص مالی (۳)/ غیرمحمتمل دانستن همکاری همسایه‌ها برای نظافت کوچه/ فقدان رابطه با همسایگان در خصوص کارهای مربوط به محله/ باری ندادن مدیر ساختمان در امور مشترک ساختمان توسط همسایه‌ها

برخی از مصاحبه‌شوندگان در خصوص عدم‌همراهی همسایه‌ها در امور آپارتمان، مجتمع یا محله اظهاراتی داشتند. مثلاً مرد جوانی ۳۱ ساله و متأهل است می‌گوید:

اینکه بخوام مشارکت‌شون رو جلب کنم شاید نزدیک به صفر باشه مخصوصاً اگه قرار باشه که پول بدن. سر اینا بحث می‌شد. آسانسور خراب می‌شد طبقه اولی می‌گفت به من چه؟! من از پله استفاده می‌کنم. توی مجتمع‌مون مدیریت رو کسی قبول میکنه که مونگل‌تر باشه. همه‌کارا، روی دوششه از جیبم باید پول خرج‌کنه بعد بدوه دنبال پولش.

رابطه دور با همسایگان

در این نوع مشکل، نزدیکی فیزیکی همسایگان سبب نزدیکی اجتماعی آن‌ها نشده است. درحالی‌که طبق قاعده معمولاً چنین است.

۱. «در سازمان تولیدی مدرن، همکاری ضروری است، زیرا هیچ فردی نمی‌تواند همه وظایف را هم‌زمان اجرا کند.» (پوگام، ۱۳۹۵: ۲۶)

جدول ۹. رابطه دور با همسایگان

مقوله عمده	مفاهیم و معانی مستخرج از مصاحبه‌ها
رابطه دور با همسایگان	بروز ندادن اطلاعات در گفتگوی یکباره با همسایه / عدم تفاوت همسایه‌ها با سایر همشهری‌ها / فاصله‌گذاری اجتماعی حتی با بهترین همسایه برای احتیاط / فاصله‌گذاری اجتماعی نسبت به همسایه آشنا و دارای تعامل

برای نمونه جوان متأهل ۳۲ ساله‌ای با اعلام بروز ندادن آگاهانه اطلاعات مربوط به خود و خانواده‌اش در گفتگویی که تنها یک‌بار برقرار شد، انصراف از کنش ناشی از احساس غریبگی را بروز داده است:

... اما توی صحبت موقع راه‌اندازی کولر با صاحب‌خونه، من بیشتر شنونده بودم و اطلاعات ندادم. فقط در حدی میدونه که خانمم کار ثابتی داره و منم کارم چیه، بیشتر از این نمیدونه. یعنی خیلی به هم نزدیک نیستیم.

تعاملات ابزاری همسایگان

«تعاملات ابزاری همسایگان»، تعاملات دارای مطلوبیت صرفاً عَرَضی است و نه توأمان عَرَضی و ذاتی و آنچه در آن مهم است صرفاً نفع شخصی است و نه در نظر گرفتن هم‌زمان نفع خود و دیگری.

جدول ۱۰. تعاملات ابزاری همسایگان

مقوله عمده	مفاهیم و معانی مستخرج از مصاحبه‌ها
تعاملات ابزاری همسایگان	سمپاشی درختان همسایه‌ها برای جلوگیری از ضرر دیدن درختان خانه خود / مراجعه همسایگان به پدر بعد از اطلاع از توانایی‌های شغلی او شکل‌گیری رابطه بر اساس نیاز به همسایه

روابط گزینشی

برخی مصاحبه‌شوندگان از تعاملات خودشان می‌گویند که گزینشی و بر اساس احساس نیازشان سراغ همسایه می‌روند، همچون مثال زیر که در آن مرد جوان و متأهل ساکن یکی از مناطق بالای شهر می‌گوید:

مثلاً برا کولر به همسایه طبقه اول گفتم چون یک سری کارهای فنی بلده و من هم به اون جنس کارها نیاز داشتم در واقع باب آشنایی و تعاملمون به خاطر نیازمون بوده که باز شده نیازی که من به همسایه داشتم.

پس از کدگذاری باز و کدگذاری محوری و تعیین مقولات فرعی و عمده، باید مقوله مرکزی معین شود که مضمون نهایی آن، مضمونی است که در کدگذاری‌گزینشی، به‌عنوان مقوله هسته مشخص شده و آن را باید به‌منزله پدیده‌ای مرکزی و پیونددهنده مقولات عمده در نظر گرفت که سایر یافته‌های تحقیق به‌نوعی در ارتباط با آن معنا دارند. با دقت در مطالبی که تحت‌عنوان کدگذاری باز ارائه شد، و با توضیحاتی که ذیل عنوان مقولات عمده ارائه‌گردید، مقوله مرکزی «کمبود تعامل، ضعف تعامل اجتماعی گرم و رواج تعامل سرد همسایگان» است، مضمونی که اجمالی‌ترین شکل بیان پدیده و مشکل موردبررسی تحقیق حاضر است.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف مقاله حاضر توصیف و سنخ‌شناسی مشکلات تعامل در شبکه‌های همسایگی در مشهد، و درنهایت ارائه یک سنخ‌شناسی تجربی از این مشکلات بود. بر اساس نتایج پژوهش، یکی از مشکلات بنیادی تعامل همسایگان - که به اصل واقعیت محله مربوط است - فقدان تعامل میان مجاوران فیزیکی است که محله را از محله بودن خارج می‌کند.

شاید مختصرترین و فشرده‌ترین شکل ارائه سنخ‌شناسی مشکلات تعاملی همسایگی، ارائه این مشکلات در دو سنخ «کمبود تعامل» و «ضعف تعامل گرم» باشد و به این ترتیب می‌توان فقدان روابط و تعاملات همسایگان، کمبود و کاهش تعاملات آنها، تعاملات مقطعی، عدم مشارکت و همکاری همسایه‌ها و روابط گزینشی را در دسته اول قرار داد و تعاملات سرد همسایگان، ضعف تعاملات گرم همسایگان، تعاملات ابزاری همسایگان و رابطه دور با همسایگان (فاصله) را در دسته دوم قرار داد.

فقدان و کمبود تعاملات و روابط همسایگی اگر قرار باشد مهم تلقی نشود یا حتی به‌عنوان کمکی به آزادی فردی و گریز از کنترل اجتماعی تبلیغ شود باید قابل جایگزین باشد. اما باید توجه کرد که هر یک از شبکه‌های اجتماعی از اهمیتی برخوردارند و کارکردهای هر یک از آنها لزوماً قابل جایگزینی با شبکه‌های اجتماعی دیگر نیست. درخصوص همسایگی مهم این است که شبکه همسایگی، از حیث مجاورت با سایر شبکه‌ها متفاوت است. انسان در مکان زندگی می‌کند و یکی از ویژگی‌های مکان، مجاورت مکانی است. خانه‌ها و ساختمان‌ها که بنا می‌شوند در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند و نمی‌توان آن‌ها را کلاً نادیده گرفت. آن‌ها هستند و به‌عنوان یک واقعیت، اثر دارند. مجاورت همسایگی می‌تواند ناخواسته و غیربرنامه‌ریزی شده و پیش‌بینی نشده و در نتیجه مولد تلفیقی از آثار مثبت و منفی باشد. اما اگر به‌رسمیت شناخته شود و شناخت مزایا و معایب آن،

مدنظر قرار گیرد و برای کاهش آثار منفی و افزایش آثار مثبت آن تلاش شود، می‌توان با طراحی و برنامه‌ریزی و اقدامات مناسب، این واقعیت را به شکلی مدیریت کرد که آثار ناخواسته و منفی آن به حداقل برسد و مزایا و آثار مثبت آن حداکثر شود. اما آنچه در شهرهای بزرگ ایران و از جمله مشهد به گستردگی مشاهده می‌شود نه تنها رونق تعاملات و روابط همسایگی نیست بلکه رکود آن است. این امر افزون بر اینکه تقبیح نمی‌شود، برعکس از آن دفاع نیز می‌شود. ذهنیت و عاطفه مشترک یعنی فرهنگ مردم شهرهای بزرگ ایران، نه تنها علیه روند فزاینده فرسایش سرمایه اجتماعی محلات و نابودی نسبی واقعیت «اجتماعی» همسایگی نیست بلکه مدت‌هاست در حال تولید عناصری شناختی و عاطفی در حمایت از تغییرات مذکور است؛ به طوری که حالا از نظر بسیاری از ساکنان محلات، «محلّه خوب، محلّه‌ای است که محلّه نباشد!» و شاید مهم‌ترین عنصر پاره‌فرهنگ همسایگی و محلّه، همین «ارزشمندی برقرار نکردن رابطه و تعامل با همسایگان و ترک تعامل با آنان» است. به تعبیر صدیق‌اورعی، «آزمای اجتماعی» و «فرهنگ اضمحلال محلّه»، به خوبی قابل مشاهده است. یعنی همان‌طور که در اختلال آگزاما، سلول‌ها به نحوی خودتخریب عمل می‌کنند، در این محلات و اجتماع‌ها نیز معانی جمعی علیه امر جمعی خلق می‌شوند و سبب خودتخریبی یعنی تخریب محلات می‌شوند و فرمان‌های فرهنگی در خصوص همسایگی علیه همسایگی است. این در حالی است که قاعدتاً ذهنیت و عاطفه جمعی یعنی فرهنگ باید هوادار امر جمعی باشد و نه مخالف آن. اما در جایی که محتوای فرمان فرهنگ، امر به جدایی، واگرایی و عدم تعامل است یعنی احتمالاً اختلالی در میان است.

یکی از توجیهات مرتبط با این کاهش روابط، فرصتی است که از بابت این کاهش روابط و تعاملات خلق می‌شود و سبب بسط آزادی و رهایی از نظارت و دخالت همسایگان می‌شود درحالی‌که چنین توجیهی قابل دفاع نیست. جیمز کلمن در خصوص توافق و هنجارهای مؤثر معتقد است: «تا زمانی که کنشگر منفرد حق کنترل بر کنش خود را داشته باشد، هیچ هنجاری وجود ندارد و تا حقی به وجود نیامده باشد هیچ هنجاری وجود نخواهد داشت. هنجار تنها هنگامی وجود دارد که دیگران حق تأثیر گذاردن بر جهتی را که کنش کنشگری در پیش خواهد گرفت به دست می‌آورند.» (کلمن، ۱۳۹۰: ۳۷۰) در واقع کلمن لازمه ایجاد هنجارهای مؤثر و توافق را اعطای حق نظارت به دیگران می‌داند، امری که به معنای کاستن از آزادی خویش است و آنچه کنشگر را به آن ترغیب می‌کند، منافی است که در قبال آن به دست می‌آورد. این نظارت و کنترل، بهایی است که کنشگران در کسب منافع دیگر می‌پردازند اما در شکل مرضی آن، ممکن است کنشگران بدون

کسب منفعت و مطلوبیتی، آزادی خود را از دست رفته ببینند. اما در مقابل، این آشنایی و تعامل می‌تواند کاملاً کارکردی باشد و در زمان مشکلات برای انسان، کاملاً مفید باشد.

در کنار مشکل میزان کم تعاملات و روابط همسایگی، مقوله عمده دیگر مشکلات تعامل همسایگی، ضعف تعاملات گرم است که در صورت وجود به میزان مناسب، منشاء تعلق اجتماعی محلی و موجد کارکردهای فراوانی است. از جمله اینکه سبب تسهیل و افزایش زیاد همکاری و مشارکت می‌شود و عامل تامین حمایت اجتماعی گسترده و مورد نیاز ساکنان شهرها می‌گردد؛ هرچند دلیل ندارد که برای تعاملات ابزاری نیز سودمند نباشد.

نیاز انسان به عشق و تعلق، نیازی اساسی است که با تعامل گرم برآورده می‌شود. منبع تعامل اجتماعی و تعامل گرم، عموماً و به‌طور طبیعی و فراگیر، انسان‌های دیگرند. در نتیجه انسان به تعاملات گرم انسان‌های دیگر نیازمند است. تعامل گرم، فی‌نفسه لذت‌بخش است و مطلوب آدمی. از سوی دیگر یکی از نیازهای جمعی، نیاز به پیوند، همبستگی و انسجام اجتماعی است. طبق تعریف، اشخاص دارای تعامل نسبتاً مستمر، برای آنکه گروه باشند باید دارای پیوند باشند؛ بنابراین همبستگی اجتماعی، شرط لازم تداوم گروه و جامعه است. از آنجایی که تعامل گرم، لازمه تولید همبستگی و انسجام اجتماعی است در نتیجه رفع نیاز جمعی انسان‌ها به این‌ها تابع تعاملات گرم است و کمبود یا فقدان آن، از جهت جمعی نیز اختلال‌آفرین است.

سرژ پوگام پیشنهاد می‌کند «هر نوع رابطه اجتماعی بر مبنای دو بُعد حمایت و بازشناسی تعریف شود.» او معتقد است: «رابطه‌های اجتماعی... به افراد در عین حال حمایت و بازشناسی لازم برای هستی اجتماعی‌شان را عرضه می‌کنند.» او چهار نوع رابطه اجتماعی را از هم متمایز می‌کند که یکی از آن‌ها رابطه مشارکت انتخابی است و به «فرایند اجتماعی شدن در بیرون از محیط خانوادگی ناظر است و در جریان آن، فرد در چارچوب گروه‌های گوناگون و نهادها با افراد دیگری که می‌شناسد ارتباط برقرار می‌کند.» او مکان‌هایی که این اجتماعی شدن در آن‌ها شکل می‌گیرد را از جمله شامل گروه‌های همسایگی می‌داند. (پوگام، ۱۳۹۵) در نتیجه، رابطه همسایگی قابلیت حمایت و تسهیل بازشناسی و هویت‌یابی را داراست اما با کمبود مطلق تعامل و تعاملات گرم همه این نیازهای فردی و جمعی معطل می‌ماند. کافی است تلاش برای تامین منافع شخصی بدون توجه و تعلق به دیگران را به آن به حساب آوریم تا درک کنیم که فردگرایی خودخواهانه افراطی، سبب ستیزه، نزاع، بی‌تعهدی، بی‌اعتمادی، ناامنی و انواع و اقسام تعاملات مجرمانه، غیراخلاقی و آسیب‌رسان و رنج‌آفرین میان مجاوران فیزیکی شده است.

منابع

- اصغرپور، احمدرضا، و عطیه صادقی (۱۳۹۳). «همکاری و خیر جمعی در یک مجتمع مسکونی». مطالعات جامعه‌شناختی شهری، دوره ۴ شماره ۱۲: ۱۲۹-۱۶۰.
- آگبرن، ویلیام فیلدینگ، و مایر فرانسیس نیم کوف (۱۳۵۳). زمینه جامعه‌شناسی. ترجمه امیرحسین آریان‌پور. تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی با همکاری موسسه انتشارات فرانکلین.
- باستانی، سوسن، فاطمه رهنمای، و مریم قاضی نژاد (۱۳۹۳). «طرد اجتماعی (مورد مطالعه: طرد عینی و ذهنی سالمندان شهر تهران)». مجله مطالعات و تحقیقات اجتماعی، دوره ۲، شماره ۴: ۵۹۹-۶۲۶.
- باستانی سوسن و سلمه نیکزاد (۱۳۹۳). «شبکه‌های اجتماعی فردی و دلبستگی به محله در شهر تهران: با تاکید بر وسایل ارتباطی نوین». فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، دوره ۳ شماره ۲: ۱۹۳-۲۱۹.
- باستانی، سوسن (۱۳۸۷). «بررسی سرمایه اجتماعی شبکه در ۱۰ محله تهران: بررسی جایگاه روابط محلی در شبکه‌های اجتماعی». مجله مطالعات اجتماعی ایران، دوره ۲، شماره ۲: ۷۴-۵۵.
- بخشی، پریسا، امیر اکبری قمصری، و نوین تولایی (۱۳۹۹). «بررسی نقصان روابط همسایگی و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن در ۹ محله شهر تهران». مسائل اجتماعی ایران، دوره ۱۱، شماره ۱: ۷-۳۴.
- بخشی، حامد (۱۳۹۲). نظرسنجی عمومی در مورد حفظ و تقویت روحیه ایثارگری و ارائه راهکار جهت ترویج روحیه ایثارگری. مشهد: گروه علوم اجتماعی جهاد دانشگاهی مشهد.
- بهبادپور، محمد، یوسف‌گرچی مهلبانی، و جمال‌الدین سهیلی (۱۳۹۹). «ارزیابی نقش طبیعت بر تعاملات همسایگی در مجتمع‌های مسکونی (مورد مطالعه: مجتمع مسکونی اکباتان تهران و مجتمع مسکونی پردیسان قم)». آمایش محیط دوره ۱۳، شماره ۴۸: ۱۳۱-۱۵۲.
- پارسامهر، مهربان و فاطمه بیرجندی چهارطاقی (۱۳۹۸). «آزمون تجربی تئوری کنش عقلانی در تبیین تعاملات همسایگی (مورد مطالعه جامعه شهری یزد)». جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی، دوره ۶، شماره ۱۳: ۹۴-۶۷.
- یوگام، سرژ. (۱۳۹۵). جامعه‌شناسی رابطه اجتماعی. با ترجمه عبدالحسین نیگ‌گهر. تهران: انتشارات هرمس.
- جلائی‌پور، حمیدرضا، و محمدگرامیان نیک (۱۳۹۰). «نگاهی به مدرنیته در ایران از دریچه روابط شخصی؛ ارزیابی مفهوم «رابطه ناب» گیدنز». مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات دانشگاه فردوسی مشهد، دوره ۸، شماره ۱۷: ۱۹-۵۲.
- چلبی، مسعود و مهدی امیرکافی (۱۳۸۳). «تحلیل چندسطحی انزوای اجتماعی». مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ۵، شماره ۲: ۳-۳۱.
- حسن‌پور، آناهیتا، سمیه امیدواری و محمدحسین صدر ارحامی (۱۳۹۷). «بررسی عوامل مؤثر بر ارتقاء تعاملات اجتماعی در فضاهای شهری (نمونه موردی: میدانچه جلفا-اصفهان)». معماری‌شناسی، دوره ۱، شماره ۵: ۱-۹.

خداپرستی، فرج‌الله (۱۳۹۵) فرهنگ جامع واژگان مترادف و متضاد زبان فارسی، شیراز: دانشنامه فارس. خطیبی، اعظم (۱۳۹۶). «تبیین جامعه‌شناختی تعاملات همسایگی و تأثیر آن بر احساس نشاط اجتماعی شهروندان در شهر همدان»، مطالعات جامعه‌شناختی شهری (مطالعات شهری)، دوره ۷، شماره ۱۱۷: ۲۲-۱۳۴.

رازقی، نادر، محمود شارع‌پور و حسن ابراهیمی‌گنابی (۱۳۹۵). «بررسی عوامل اجتماعی موثر بر میزان روابط همسایگی؛ مطالعه موردی: شهروندان ساکن شهر بابل»، جامعه‌شناسی ایران، دوره ۱۷، شماره ۳: ۴۹-۷۷.

رامیار، رضا و اسماعیل ضرغامی (۱۳۹۶). «تأثیر دل‌بستگی به مکان بر سرمایه اجتماعی در محیط‌های مشترک همسایگی؛ نمونه موردی: مجتمع مسکونی نور در تهران»، مطالعات شهری، دوره ۶، شماره ۲۳: ۵۲-۳۹.

ربانی خوراسگانی، علی، غلامرضا صدیق اورعی و مهدی خنده‌رو (۱۳۸۸). «بررسی سرمایه اجتماعی و عوامل موثر بر شکل‌گیری آن در سطح محله». علوم اجتماعی، دوره ۶، شماره ۲: ۱۱۹-۱۴۹. رستگارخالد، امیر، مسعود سلمانی بیدگلی و سمیه آران دشتی (۱۳۹۳). «بررسی رابطه سرمایه اجتماعی همسایگی با احساس امنیت محله‌ای (مورد مطالعه: شهر آران و بیدگل)»، مطالعات جامعه‌شناختی شهری، دوره ۴، شماره ۱۱: ۹۱-۱۲۶.

رستگارخالد، امیر، سمیه آران دشتی آرانی و زهرا صادقی آرانی (۱۳۹۲). «بررسی سرمایه اجتماعی همسایگی و پیامدهای اصلی مرتبط با آن (مطالعه موردی، شهر آران و بیدگل، منطقه آران)»، مطالعات توسعه اجتماعی - فرهنگی، دوره ۱، شماره ۴: ۱۷۷-۲۱۴.

روشه، گی (۱۳۹۱). جامعه‌شناسی تالکوت پارسنز، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، تهران، نشر نی. زندرضوی، سیامک، کیوان ضیائی و مریم رحمانی (۱۳۸۸). «ظرفیت‌های سرمایه اجتماعی برای برپایی اجتماعات محله‌ای در شهر «دوستدار کودک» در بم»، رفاه اجتماعی، دوره ۸، شماره ۳۳: ۸۱-۱۰۴. زیمل، گئورگ (۱۳۹۲) درباره فردیت و فرم‌های اجتماعی، ترجمه شهناز مسمی‌پرست. تهران، نشر ثالث. ساروخانی، باقر و محمد امیرپناهی (۱۳۸۵). «ساخت قدرت در خانواده و مشارکت اجتماعی»، زن در توسعه و سیاست، دوره ۴، شماره ۳: ۳۱-۶۰.

ساروخانی، باقر، منصور وثوقی، و فهیمه نظری (۱۳۹۶). «بررسی جامعه‌شناختی رابطه اعتماد اجتماعی و ارتباطات انسانی با تأکید بر خانواده‌های شهر تهران در سال ۱۳۹۵-۱۳۹۳». مطالعات جامعه‌شناختی شهری، دوره ۷، شماره ۲۳: ۱-۳۰.

سالاری‌پور، علی اکبر، حمیدرضا رضانی، نادر زالی و مریم صفای‌کارپور (۱۳۹۷). «بررسی کیفیت روابط همسایگی درون محله ایرانی اسلامی و نقش آن در دل‌بستگی به مکان؛ مطالعه موردی محله ساغریسازان شهر رشت». مطالعات شهر ایرانی اسلامیدوره ۹، شماره ۳۴: ۳۵-۴۷.

سعیدی مطلق، محمدحسن و ناصر براتی (۱۴۰۰). «تاثیر شاخص‌های کیفیت ادراک محیط سکونتی بر کنش متقابل اجتماعی پیوسته در محله باغ شاطر تهران». مطالعات شهری، دوره ۱۰، شماره ۳۸: ۶۳-۷۶.

شارون، جوئل (۱۳۸۶) ده پرسش از دیدگاه جامعه‌شناسی، تهران: نشر نی.
صدیق‌اورعی، غلامرضا (۱۳۸۲) بررسی ساختار نظام اجتماعی در اسلام، تهران: اداره کل پژوهش‌های سیما.
صدیق‌اورعی، غلامرضا، احمد فرزانه، مهدیه باقری و شیوا محمدی (۱۳۹۸). مبانی جامعه‌شناسی (مفاهیم و گزاره‌های پایه)، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

صدیق‌سروستانی، رحمت‌الله، و نوروز نیمروزی (۱۳۹۲). «سنخ‌شناسی روابط اجتماعی در شبکه‌های همسایگی در شهر مشهد». جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران، دوره ۲، شماره ۴: ۳۸-۹.
صدیق‌سروستانی، رحمت‌الله، و نوروز نیمروزی (۱۳۸۹). «بررسی ارتباط بین مشارکت در روابط همسایگی واحساس امنیت در محلات شهر مشهد». فصلنامه دانش انتظامی، دوره ۱۲، شماره ۲: ۱۸۵-۲۲۰.
عباسی هرفته، محسن و علی صادقیان (۱۳۹۸). «الگوهای کالبدی همسایگی در بافت تاریخی یزد؛ شاخصه‌ها، ابزارهای معمارانه و اصول معماری همسایگی». باغ نظر، دوره ۱۶، شماره ۸۰: ۵-۱۶.
عباسی اسفجیر، علی‌اصغر و علی رحمانی فیروزجاه (۱۳۸۳). «محلها و روابط همسایگی، مکانیسمی ساختاری در ایجاد جرم». فصلنامه علوم اجتماعی دانشگاه آزاد خلیخال، شماره ۳: ۱۱۹-۱۳۳.

کلانتری، عبدالحسین و سیدسعید حسینی‌زاده آرانی (۱۳۹۶). «روابط اجتماعی در جامعه شهری: بررسی عوامل اجتماعی و روانی مؤثر بر احساس تنهایی» مورد مطالعه: شهروندان تهرانی». مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، دوره ۶، شماره ۲: ۲۵۷-۲۸۳.

عبداللهی، محمد و سعیده امینی (۱۳۸۶). «تحلیل جامعه‌شناختی دگردوستی در ایران (مطالعه موردی شهر تهران)». مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ۸، شماره ۳: ۲۸-۵۰.

علی ملکوتی‌نیا، محمدتقی سبحانی‌نیا، غلامرضا پرهیزکار و جعفر رحمانی (۱۳۹۹). «مؤلفه‌های ارتباطات همسایگی در زندگی شهری با رویکرد اسلامی». اسلام و علوم اجتماعی، دوره ۱۲، شماره ۲۴: ۲۷-۵۴.

عمید، حسن (۱۳۸۵). فرهنگ عمید: شامل واژه‌های فارسی و لغات عربی مصطلح در زبان فارسی، تهران: امیر کبیر.

غلامرضا غفاری، و نازمحمد اونق (۱۳۸۵). «سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی»، مجله مطالعات اجتماعی ایران، دوره ۱، شماره ۱: ۱۵۹-۱۹۹.

قنبران، عبدحمید و مرضیه جعفری (۱۳۹۳). «بررسی عوامل مؤثر بر ارتقاء تعاملات اجتماعی در میان ساکنان محله مسکونی (نمونه موردی: محله درکه-تهران)». معماری و شهرسازی ایران، دوره ۵، شماره ۱: ۶۴-۵۷.

- کلانتری، عبدالحسین و سعید حسینی زاده آرانی (۱۳۹۴). «شهر و روابط اجتماعی: بررسی ارتباط میان انزوای اجتماعی و سطح حمایتی اجتماعی دریافتی با میزان تجربه احساس تنهایی (مورد مطالعه: شهروندان تهرانی)». مطالعات جامعه شناختی شهری، دوره ۵، شماره ۱۶: ۸۷-۱۱۸.
- کلمن، جیمز (۱۳۹۰). بنیادهای نظریه اجتماعی. تهران: نشر نی.
- محسنی تبریزی، علیرضا، سجاد یاهک، سهراب قهرمانی و علی باصری (۱۳۹۰). «مطالعه میزان مشکلات آپارتمان نشینی و عوامل تاثیرگذار بر آن در کرج». تحلیل اجتماعی نظم و نابرابری، دوره ۲، شماره ۲: ۲۰۹-۱۸۱.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۶) درگاه ملی آمار، ۲۳. ۷.
- معیدفر، سعید، و غلامرضا مقدم (۱۳۸۹). «نقش هویت محله‌ای در کاهش و کنترل گرایش به رفتارهای نابهنجار اجتماعی در شهر (مطالعه محله‌های شهر تهران)». مسائل اجتماعی ایران، دوره ۱، شماره ۸: ۱۴۳-۱۱۵.
- منادی، مرتضی (۱۳۸۸). «بررسی انسان‌شناختی روابط همسایگی (مطالعه تطبیقی روابط زنان شاغل و خانه‌دار)». مجله مطالعات اجتماعی ایران، دوره ۳، شماره ۲: ۱۰۴-۱۲۲.
- موسوی‌خامنه، مرضیه و زینب حسن‌پور (۱۳۹۱). «بررسی تحلیلی-تطبیقی سرمایه اجتماعی در محلات مساعد و نامساعد شهر تهران». مسائل اجتماعی ایران، دوره ۳، شماره ۲: ۲۰۳-۲۲۸.
- موسوی، سید یعقوب، سحر صفری. (۱۳۹۵). «رشد شهرگرایی و احساس تعلق محله‌ای». برنامه‌ریزی توسعه شهری و منطقه‌ای، دوره ۲، شماره ۳: ۳۱-۶۲.
- مهرابیان، ساهره و فرزین عبداللهی (۱۳۹۸). «راهکارهای افزایش تعاملات اجتماعی در مجتمع‌های مسکونی (مطالعه موردی: مجتمع مسکونی اکباتان، بهجت‌آباد و فرهنگیان تهران)». معماری‌شناسی، دوره ۲، شماره ۱۱: ۱-۹.
- نوابخش، مهرداد و مریم رفیعی‌فر (۱۳۸۷). «بررسی جامعه‌شناختی روابط همسایگی در مجتمع‌های مسکونی شهر تهران (مطالعه موردی منطقه دو شهرداری)». مطالعات توسعه اجتماعی ایران، دوره ۱، شماره ۱: ۶۵-۵۱.
- نوذری، حمزه (۱۳۹۴). «تحلیل تعارضات همسایگی و برخی پیامدهای آن در شهر تهران». بررسی مسائل اجتماعی ایران، دوره ۶، شماره ۲: ۳۷۳-۳۹۰.
- نیک‌بخت، حسنیه (۱۳۹۴). بررسی نقش فضاهای مشاع در ارتقای تعاملات همسایگی ساکنین برج‌ها (نمونه موردی شهر مشهد). پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی.
- وبر، ماکس (۱۳۸۴). اقتصاد و جامعه. ترجمه عباس منوچهری، مهرداد ترابی‌نژاد و مصطفی عمادزاده، تهران: سمت.

وبر، ماکس (۱۳۷۴). اقتصاد و جامعه، ترجمه عباس منوچهری، مهرداد ترابی‌نژاد و مصطفی عمادزاده، تهران: انتشارات مولی.

یوسفی، علی، محسن نوغانی و مهلا حجازی (۱۳۸۸). «انسجام در شبکه‌های همسایگی شهر مشهد». مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ۱۰، شماره ۱: ۱۳۸-۱۶۱.

Clark, Margaret S. ,and Harry T. Reis (1988). "Interpersonal processes in close relationships", *Annual Review of Psychology*,39(1) 609-672.

Giddens, Anthony (2013). *The Consequences of Modernity*, New York: John Wiley & Sons

Goulding, Christina (1999). *Grounded Theory: Some reflections on paradigm, procedures and misconceptions*. Management Research Centre, Wolverhampton Business School, University of Wolverhampton

Groenewald, Thomas (2004). "A phenomenological research design illustrated", *International journal of qualitative methods*, 3(1): 42-55.

Hatala, John Paul (2006). "Social Network Analysis in Human Resource Development", *Human Resource Development Review*, 5: 45-71.

Sabella, Donna (2015). "Once Upon a Time: Exploring the Lived Experience of Prostitution Through Narrative", Pp. 61-111 in *Nursing Research Using Ethnography: Qualitative Designs and Methods in Nursing*, by Mary de Chesnay. New York: Springer Publishing Company.

Saldaña, Johnny (2013). *The Coding Manual for Qualitative Researchers*, London: SAGE

Zhao, Peixin, and Cun-Quan Zhang (2011). "A new clustering method and its application in social networks", *Pattern Recognition Letters*, 32(15): 2109–2118